

بررسی تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر
روندهای سیاسی - امنیتی جمهوری
اسلامی ایران

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۲۲۳۱

بهمن‌ماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
۱. شکاف‌های جامعه ایران	۳
۲. بررسی تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر فرآیندهای سیاسی	۲۲
۳. تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی	۲۴
۴. راهکارهایی برای جلوگیری از تشدید شکاف‌ها و اجتناب از تقابل‌های آشتی‌ناپذیر	۳۰
نتیجه‌گیری	۳۳
منابع و مأخذ	۳۴



بررسی تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر روندهای سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

شکاف‌های اجتماعی مرز تقسیم اعضای یک جامعه به بخش‌های مختلفی متشکل از افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در یک زمان و مکان خاص، است که به‌طور بالقوه حاوی منازعه است. از ویژگی‌های جامعه ایرانی تعدد و تراکم شکاف‌های اجتماعی بوده است. تعدد، تراکم و همزمانی فعال شدن شکاف‌ها می‌تواند باعث ایجاد چالش برای نظام سیاسی شود، در نتیجه تمرکز بر فعال‌سازی شکاف‌های اجتماعی یکی از راهکارهای مهم مخالفان نظام سیاسی برای ضربه زدن به وحدت ملی کشور است. مهمترین این شکاف‌ها شکاف نسلی، فرهنگی، قومی که با شاخص‌هایی نظیر سنجش میزان دینداری، اقتصاد و عمل به حجاب، میزان محرومیت نسبی اقوام، دخالت بیگانگان و ... به روش فراتحلیل و استفاده از نظرسنجی‌های انجام شده در منابع دیگر مورد سنجش قرار گرفته است. براساس این گزارش، متراکم شدن شکاف‌ها، تعدد آنها، دخالت بیگانگان، همزمانی فعال شدن شکاف‌ها، غفلت نخبگان سیاسی و عمیق‌تر شدن شکاف‌ها باعث بروز تهدیدات سیاسی - امنیتی برای کشور خواهد شد. گزارش حاضر با هدف هشدار به مسئولان مطرح و در انتها راهکارهایی برای مدیریت این شکاف‌ها بیان شده است.

مقدمه

شکاف‌های اجتماعی^۱ نقش مهمی در شکل‌گیری مناسبات و فضای سیاسی در جوامع گوناگون ایفا می‌کنند. در دنیای امروز جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که فاقد شکاف‌های اجتماعی باشد؛ زیرا در هیچ جامعه‌ای نمی‌توان سنخیت کامل فکری، قومی، عقیدتی، نژادی، زبانی و ... را یافت، از این‌رو شکاف‌های اجتماعی منجر به تکثر، صف‌آرایی، گروه‌بندی و تقابل‌های اجتماعی می‌شوند. شکاف‌ها، تعیین‌کننده نوع خواسته‌ها و مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد که پیگیری این مطالبات می‌تواند به شکل خشونت‌آمیز مانند شورش و انقلاب یا به‌صورت مسالمت‌آمیز مانند رقابت‌های حزبی و انتخاباتی تجلی یابد. در کشورهایی با نهادهای سیاسی جاافتاده (مانند احزاب، اتحادیه‌ها،

سندیکاها و...) که به‌عنوان میانجی بین حکومت و مردم عمل می‌کنند، شکاف‌های اجتماعی کمتر منجر به خشونت، تزلزل و فروپاشی نظام سیاسی می‌شود، ولی در کشورهایی که فاقد این نهادها باشند شکاف‌ها بیشتر در قالب و شیوه خشونت‌آمیز تجلی می‌یابد.

شکاف‌های اجتماعی بر حسب عوامل گوناگون از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و می‌توانند تأثیرهای متفاوتی بر جای گذارند. بنا به همین دلیل در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی توافق جامعی بر سر تعریف از شکاف‌ها یا ارائه یک گونه‌شناسی مورد اجماع برای اینکه شکاف‌ها چگونه دسته‌بندی می‌شوند، وجود ندارد و تلاش‌های صورت گرفته جهت مفهوم‌سازی و شفاف‌سازی، در نهایت کار تا حدود زیادی مبهم و پیچیده‌اند.

شکاف‌های اجتماعی، به معیارها و مرزهایی دلالت دارند که گروه‌های اجتماعی را از یکدیگر جدا می‌سازند و یا در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهند. به بیان دیگر، شکاف‌های اجتماعی خطوط رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، شأن و منزلت، اقتدار و... اجتماعی هستند.^۱

مفهوم شکاف را می‌توان به‌عنوان مرز تقسیم یا تقسیم‌کننده اعضای یک جامعه به بخش‌های مختلفی متشکل از افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در یک زمان و مکان خاص تعریف کرد که به‌طور بالقوه حاوی منازعه است. از یک دیدگاه می‌توان گفت که شکاف‌ها ماده خام پیکارهای سیاسی هستند. همه جوامع دچار شکاف‌هایی هستند و تنها در میزان تنش‌زدگی و پایداری با یکدیگر تفاوت دارند.^۲

هانس دالدر^۳ مجموعه متنوعی از شکاف‌ها را نسبت به دیگر محققان علوم سیاسی با توجه به تحلیل تاریخ اروپا ارائه می‌دهد. او پنج مرز تقسیم‌بندی را پیشنهاد می‌کند:

۱. منافع طبقاتی یا بخشی،^۴ احزابی که نمایندگی بخش کشاورزی، صنعت و... را دارند،
۲. مذهبی،^۵ پروتستان‌ها، کاتولیک‌ها، روحانیون و ضدروحانیون،
۳. کشمکش‌های جغرافیایی،^۶ مانند مرکز، حاشیه،
۴. کشمکش‌های ملی،^۷ اقلیت‌های قومی، جنبش‌های ملی‌گرایی افراطی، احزابی که در واقع منافع کشوری خارجی را نمایندگی می‌کنند و...
۵. رژیم،^۸ احزاب هوادار حفظ وضع موجود در برابر احزاب اصلاح‌طلب، احزاب انقلابی یا ضدانقلابی.

۱. خاشعی، ۱۳۸۹، صص ۸-۹.

۲. نوریس و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۸.

3. Hans Daalder
4. Class or Sectional Interests
5. Religion
6. Geographical Conflicts
7. Nationalistic
8. Regime



او بر این باور است که که کشورهای اروپایی از نظر ویژگی و تراکم خطوط شکافی، که بنیان کشمکش و سازماندهی سیاسی را می‌سازد، تفاوت‌های بسیاری دارند (مثلاً اینکه یک شکاف یا چند شکاف خاص به‌طور مؤثری در جامعه مورد نظر سیاسی شده است یا خیر و اگر سیاسی شده است تا چه میزان)^۱

تعدد، تراکم و همزمانی فعال شدن شکاف‌ها می‌تواند باعث ایجاد چالشی اساسی برای نظام سیاسی شود که حتی در برخی موارد به سرنگونی نظام سیاسی منجر می‌شود. با این وصف تمرکز بر فعال‌سازی شکاف‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم مخالفان نظام سیاسی برای ضربه زدن به وحدت ملی کشور می‌باشد و تهدیدی برای امنیت ملی نظام سیاسی محسوب می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز محققان از شکاف‌های متعددی نام می‌برند که ما در این گزارش به بررسی مهمترین این موارد می‌پردازیم و با رویکردی آسیب‌شناسانه نسبت به پژوهش‌های موجود و با استفاده از داده‌های آماری سعی در بررسی شکاف‌های مطرح شده در جامعه امروز ایران (شکاف نسلی، قومی و فرهنگی) را داریم. ما در این گزارش در پی پاسخ دادن به این سؤالات هستیم که چه شکاف‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی وجود دارد و این شکاف‌ها چه تأثیری بر فرآیندهای سیاسی و امنیت ملی دارند و چگونه باعث تضعیف یا تقویت امنیت ملی می‌شوند.

۱. شکاف‌های جامعه ایران

از ویژگی‌های جامعه ایرانی تعدد و تراکم شکاف‌های اجتماعی بوده است. به‌عبارت دیگر جامعه ایران؛ جامعه‌ای با شکاف‌های متعدد و ناهمگون محسوب می‌شود. با نگاهی به تحولات ایران در قرن اخیر می‌توان به وجود شکاف‌های قومی، زبانی، مذهبی، طبقاتی و... پی برد. تاریخ معاصر ایران به لحاظ فرآیندهای سیاسی و روندهای امنیتی بسیار تحت تأثیر این شکاف‌ها بوده است. پیش از پرداختن به شکاف‌ها به تغییرات مهمی که بعد از انقلاب در عرصه اجتماعی و فرهنگی کشور اتفاق افتاده است، به‌طور مختصر اشاره می‌شود. این تغییرات تا حدی باعث شدند که نسل جدید و جوان کشور با نسل قبل از خود تفاوت‌هایی داشته باشند. در واقع به نظر می‌رسد نسل جوان کشور بیش از هر زمان دیگری شاهد دگرگونی‌های اجتماعی و فنی بوده است. از جمله این تغییرات می‌توان به رشد فزاینده استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، افزایش جمعیت و هرم سنی جوان کشور، حضور چشمگیر زنان در جامعه و افزایش تحصیلات و میزان سواد اشاره کرد.

1. Choe, 2002, P. 5-6.

اطلاق عنوان دهکده جهانی بر وضعیت ویژه انسان در دنیای امروز حکایت از گسترش بیش از اندازه ارتباطات در عصر حاضر دارد. وسایل ارتباط جمعی بخش جدایی‌ناپذیر از جهان امروز هستند و عامل نیرومندی برای جامعه‌پذیری محسوب می‌شوند. رسانه‌ها هم به افکار عمومی شکل می‌دهند و هم آن را بیان می‌کنند. رسانه‌ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را بازی می‌کنند و این بازی را نه فقط با بازتاب دادن فرهنگ، بلکه با شرکت در فرهنگ‌سازی نیز به اجرا می‌گذارند.^۱

طبق یافته‌های مرکز آمار ایران از کاربران اینترنت در سال ۱۳۸۹ راجع به برآورد ضریب نفوذ اینترنت در ایران از مجموع ۷۴/۸ میلیون نفر جمعیت کشور، تعداد ۱۱ میلیون نفر کاربر اینترنت بوده‌اند. براساس این ضریب نفوذ اینترنت در کشور ۱۴/۷ درصد بوده است.^۲

آمار منتشر شده بر روی وبسایت آمار جهانی اینترنت^۳ نشان می‌دهد تعداد کاربران اینترنت ایران در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال گذشته، ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار و نسبت به سال ۲۰۰۹ در حدود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر افزایش داشته است.^۴ نکته قابل توجه آنکه تعداد کاربران اینترنت در کشور با رشد فوق‌العاده‌ای در حال افزایش است و نسل جوان بیشترین کاربران اینترنت هستند. از سوی دیگر با بررسی وبسایت‌های پربازدید ایران تا حدودی می‌توان به این نتیجه رسید که نسل جوان به‌عنوان بیشترین کاربران اینترنت چه دغدغه‌های فکری دارند.^۵

یکی از آسیب‌های جدی برای فرهنگ کشورهای جهان اسلام همین تهدید وسایل ارتباطی جدید است که به‌گونه‌ای غیرقابل کنترل به‌دنبال دستیابی به فرهنگ یکسانی در کل جهان‌اند که بیشتر متأثر از فرهنگ غربی است و در تقابل و تضاد کامل با ارزش‌های فرهنگی این کشورهاست.

۱. عالیخانی، ۱۳۸۲، ص ۸۲.

۲. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در همایش «سیاست‌ها و چشم‌اندازهای کشور در تجارت و اقتصاد الکترونیکی» در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۹۰ اعلام کرد که براساس آمارها ضریب نفوذ اینترنت در ایران در سال ۲۰۱۰، چهل‌وسه‌ونهم درصد بوده است (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (۱۳۹۰)، «وزیر ارتباطات خبر داد: ضریب نفوذ ۴۳ درصدی اینترنت در ایران»، دسترسی در:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/40352> (ایران) - درصدی - اینترنت - در - ایران)

3. Internet World Stats

4. World Internet stats, 2011.

۵. آکسا؛ شرکت اطلاعات و بی است که به‌عنوان مشهورترین وبسایت ارزیابی و رتبه‌بندی سایر وبسایت‌ها به‌کار برده می‌شود. طبق آمار این شرکت، وبسایت‌های پربازدید در ایران گوگل، یاهو، بلاگفا، میهن بلاگ، پیوندهای مفید ایرانی، پرشین بلاگ، فیس بوک و کلوب می‌باشد (Alexa, 2011). مروری دگر بار بر این وبسایت‌ها نشان‌دهنده حضور چشمگیر نسل جوان در شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌هاست. در google insight for search که به بررسی این موضوع می‌پردازد که چه کلماتی در کدام کشورها بیشتر جستجو شده است شاهد هستیم که در اکثر شهرهای ایران شاهد افزایش فوق‌العاده جستجو برای وی پی ان و فیس بوک می‌باشیم (google insight for search, 2011). برای مثال ذکر آمار کاربران ایرانی فیس بوک نیز جالب می‌باشد. مهدی جعفری رئیس فناوری و اطلاعات سازمان بسیج دانش‌آموزی و فرهنگیان کشور در همایش نهضت روشنگری، مدعی شد ۱۷ میلیون ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک فعالیت می‌کنند. این درحالی است که وزیر ارتباطات در گفتگو با هفدهمین شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات این تعداد را ۷۰۰ هزار نفر اعلام کرده بود (گرداب (وب سایت وابسته به مرکز بررسی جرائم سازمان‌یافته) (۱۳۹۰). «یک ادعای جدید از سوی یک مقام مسئول سازمان بسیج: ۱۷ میلیون ایرانی عضو فیس‌بوک هستند»، دسترسی در: (<http://www.gerdab.ir>)



علاوه بر این، اطلاعاتی که از طریق اینترنت و ماهواره‌ها ارسال می‌شود کمتر از طرف حکومت‌ها قابل کنترل است. تحمیل ارزش‌ها و باورهای غربی باعث دوری جوانان از هویت اسلامی و ایرانی خود می‌شود و آنان را از نظر ذهنی کاملاً وابسته به غرب خواهد ساخت. از این‌رو این جوانان نمی‌توانند با نسل قبل خود ارتباط صحیحی برقرار کنند و جامعه در چنین حالتی به سمت تضاد و تقابل پیش می‌رود و جوانان یا فرهنگ غربی را می‌پذیرند و یا دچار بحران هویتی می‌شوند که بیشتر شکل گرفته از روی آوری آنها به فضای اینترنت است. در واقع حضور فزاینده نسل جوان در فضای وب، تهاجم فرهنگی و گسترش وسایل ارتباطی (از جمله ماهواره و اینترنت) و نوع وبسایت‌های پربازدید در ایران منجر به تغییر نحوه جامعه‌پذیری جوانان و تا حدودی نشان‌دهنده فاصله گرفتن دیدگاه‌های نسل جوان از نسل قبل خود می‌باشد.

از تغییرات دیگر جامعه، نرخ بالایی رشد جمعیت در سال‌های بعد از انقلاب بوده است. به استناد آمارهای ملی، جمعیت کشور در طول سه دهه اخیر (۱۳۸۵-۱۳۵۵) دو برابر شده است آنچه در تحولات جمعیتی کشور ما و تحولات فرهنگی ناشی از آن اهمیت ویژه‌ای دارد، سهم جدید جوانان در ترکیب جمعیت است. در سال ۱۳۶۵، حدود ۱۳ میلیون نفر از جمعیت در سنین بین ۱۵ تا ۲۹ قرار داشته‌اند که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۲۴/۹ میلیون نفر معادل ۳۵/۴ درصد کل جمعیت رسیده است. واضح است که رشد طبیعی و تدریجی جمعیت لازمه تداوم نسل بشر است و کشورهای با جمعیت بسیار کم فاقد یکی از مؤلفه‌های قدرت هستند. اما در صورتی که این رشد غیرطبیعی، سریع و بالا باشد به خصوص در جوامعی که بستر مناسب را برای پاسخگویی به آنها ندارند، از علت‌های انقطاع بین نسل‌هاست.^۱ این پدیده که به انفجار جمعیتی معروف است طبعاً خواسته‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های تازه‌ای را در عرصه‌های مختلف به دنبال دارد.

عامل مهم دیگر در تغییر جامعه ایران، افزایش شهرنشینی است. جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۶ میلیون نفر بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۴۸ میلیون نفر رسیده است. بدیهی است ارزش‌های پدرانی که دوران قبل از بلوغ خود را در روستاها و شهرهای کوچک سپری کردند، با ارزش‌های فرزندان‌شان که در شهر بزرگ شده‌اند تفاوت خواهد داشت.^۲

جنبه بااهمیت دیگر، افزایش سواد و تحصیلات در کشور است که آثار و نتایج خاص خود را به دنبال دارد. آمارها نشان می‌دهد که رشد جمعیت باسواد ایران از سال‌های دهه ۱۳۴۰ به‌طور فزاینده‌ای سیر صعودی داشته است؛ درحالی که در سال ۱۳۴۵، ۲۹ درصد جمعیت ایران را باسوادان تشکیل می‌دادند. این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۸۵ درصد رسیده است. طبیعی است که

۱. علیخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹.

۲. فتاحی، ۱۳۸۸، صص ۳۰-۲۸.

خواسته‌ها و دیدگاه‌های افراد باسواد با افراد کم‌سواد متفاوت است. تغییر ذائقه‌های افراد باسواد در یک جامعه در حال تحول، نوع برداشت آنان را از مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دستخوش تغییر می‌کند و فرد قائل به حقوق فردی و اجتماعی و اصول نو در حیات جمعی می‌شود. افراد باسواد ضمن آنکه حس استقلال بیشتری دارند، برای مشارکت در حیات اجتماعی، ارزش بیشتری قائل‌اند و بیشتر با نظر انتقادی به مسائل می‌نگرند. در چنین جامعه‌ای که نرخ سواد و آموزش بالاست، آشنایی و آگاهی از مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز بالا خواهد بود و در این حوزه‌ها تحول و جابجایی ایجاد می‌شود.^۱

یکی از تغییرات دیگری که از لحاظ فرهنگی به خصوص در شهرها به وجود آمده، حضور چشمگیر زنان و دختران در جامعه است. امروزه کمتر اداره، کارخانه و سازمانی پیدا می‌شود که بخشی از کارمندان آن را زنان و دختران جوان تشکیل ندهند. همچنین تعداد زیادی از دانشجویان و هنرجویان دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی را دختران تشکیل می‌دهند. چنان که گاهی اوقات تعداد آنان بیشتر از تعداد پسران پذیرفته شده در این مراکز و مؤسسات است. براساس سالنامه آماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران نسبت کل دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های کشور از ۴۹ درصد در سال ۱۳۸۰-۱۳۸۱ به ۵۰ درصد در سال بعد از آن و به ۵۲ درصد در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ رسیده است.

۱-۱. شکاف نسلی

در بررسی تغییر ارزش‌ها میان نسل‌ها، باید بین دو واژه تفاوت و شکاف (یا گسست) تمایز قائل شد. شکاف نسلی را می‌توان آسیبی اجتماعی دانست که از تفاوت‌هایی قطبی و شدید بین ایده‌ها، هنجارها، باورها، رفتارها و الگوهای نسل‌های مختلف ناشی می‌شود که در شرایط طبیعی و معمولی اتفاق نمی‌افتد، ولی تفاوت بین نسل‌ها پدیده‌ای عادی به حساب می‌آید که از تغییر شرایط زندگی در جوامع امروزی ناشی می‌شود و معمولاً نسل‌های جدید، بخشی از دیدگاه‌های نسل‌های قبلی را تعدیل می‌کنند. شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف روانی، اجتماعی و فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو نسل همزمان در یک جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد.^۲

درواقع مفهوم شکاف نسلی به چگونگی تداوم فرهنگی یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط

۱. قاضی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۱۵.

۲. توکل، قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵، ص ۹۶.



می‌شود. اگر در فرآیند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و باز تولید فرهنگی به نحو احسن انجام پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی دو نسل بالا می‌رود. در این صورت تفاهم بین دو نسل جدید و قدیم برقرار می‌شود و بحران هویتی نیز برای نسل جدید روی نمی‌دهد. در مقابل اگر فرآیند اجتماعی کردن به علل داخلی و خارجی دچار مشکل شود و به‌طور ناقص انجام گیرد و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم شکاف می‌افتد.^۱

۱-۱-۱. سنجش میزان دینداری

اطلاق لفظ دینداری هنگامی صورت می‌گیرد که مردم یا گروهی از افراد، تمامی یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی را پذیرفته باشند. بنابراین می‌توان گفت که دینداری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او دور می‌زند، سامان می‌پذیرد.^۲

درواقع سطح و شدت دینداری یک فرد می‌تواند نشانه قوت و ضعف باورهای دینی و مذهبی وی باشد و دینداری معرف و نشان‌دهنده میزان درونی شدن احکام و دستورات دینی در فرد است و حاکی از پایداری نظری و عملی فرد به ارزش‌ها و احکام دینی و مذهبی است. در اکثر مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته (که با سنجش آماری همراه بوده است) شاهد هستیم که گرچه اعتقادات و مبانی مذهبی نسل جوان کمرنگ نشده است، ولی از جنبه مناسکی و اعمال مرتبط با عرصه دین در اجتماع چندان استقبال نمی‌کنند و به نوعی جوانان به یک دین شخصی شده روی آورده‌اند.

در مقالات و پژوهش‌ها، دین‌داری یا تعلق مذهبی، واجد دو بعد اساسی اعتقادات و اعمال و مناسک در نظر گرفته شده است.^۳ بعد اعتقادی یا باورهای دینی را می‌توان نوعی ادراک فردی تعریف کرد که برخاسته از معرفت دینی است که به فرد بینش خاصی نسبت به حقانیت اصول دینی ارائه می‌دهد که درواقع بعد اعتقادی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند.^۴ معمولاً این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم شده‌اند. باورهای پایه‌ای مسلم، که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایت‌گرا، که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش او در راه نیل به این هدف است. باورهای زمینه‌ساز که روش‌های

۱. پناهی، ۱۳۸۳، ص ۲.

۲. طالبان، ۱۳۸۰، ص ۹.

۳. رونژر، ۱۳۶۴، ص ۶۰، المنوفی، ۱۳۷۵، ص ۲۰.

۴. طالبان، ۱۳۸۰، ص ۵۰.

تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، دربرمی‌گیرد. بعد باور یا عقیدتی را بعد ایدئولوژیکی هم نامیده‌اند.^۱ اگر بخواهیم این بعد را در ارتباط با دین اسلام بیان کنیم مجموعه‌ای از باورها که اصول دین خوانده می‌شود را دربرمی‌گیرد که توحید، معاد و نبوت هستند. در بعد باور و اعتقادی در تمامی تحقیقاتی که صورت گرفته است می‌توان با قاطعیت مدعی التزام نسبتاً بالای تمامی نسل‌ها به اعتقادات دینی، اخلاق و تکالیف فردی بود.^۲

سازمان تبلیغات اسلامی در پژوهشی با جامعه آماری جوانان پسر و دختر بین ۱۵ تا ۲۴ سال در سطح ۱۰ استان (از مجموع ۳۰ استان کشور با توجه به توزیع فرهنگی، قومیتی و جمعیتی ۱۰ استان فارس، مازندران، کرمان، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، لرستان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، یزد و تهران انتخاب شده‌اند) انجام داده است به این نتیجه می‌رسد که توزیع دینداری اعتقادی (باورهای مسلم) پاسخگویان در حد بسیار زیاد ارزیابی می‌شود. به طوری که بیش از ۹۵ درصد افراد در حد زیاد و بسیار زیادی از این بعد از دینداری برخوردارند و تنها کمتر از ۵ درصد از پاسخگویان کمتر از متوسط به این باورهای پایه‌ای دین اعتقاد دارند (جدول ۱).^۳

جدول ۱. میزان اعتقاد به باورهای دینی در بین جوانان^۴

دینداری اعتقادی (باورهای مسلم)	تعداد	درصد
خیلی کم	۳۱	۰/۶
کم	۵۵	۱/۱
متوسط	۱۳۸	۲/۷
زیاد	۵۹۲	۱۱/۸
خیلی زیاد	۴۲۱۲	۸۳/۸
جمع	۵۰۲۸	۱۰۰

نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسب نمود عینی می‌یابند. تمام ادیان بنابر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می‌کنند که همان عمل دینی است. این عمل خواه ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می‌پذیرد.

۱. احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۷.

۲. ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸، احمدی، ۱۳۸۸، ص ۳۵، محسنی تبریزی، کرم‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۶۳، آهنکوب‌نژاد، ۱۳۸۸، صص ۱۹-۱۷، طالبان، میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۴۹، کاظمی پور، ۱۳۸۲، ص ۱۸، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، صص ۱۴۵-۱۴۴، معیدفر، ۱۳۸۳، صص ۶۸-۶۵، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۶، ص ۴۷۳، توکلی، ۱۳۸۲، صص ۳۶۹-۳۶۵، طالبان، ۱۳۸۰، صص ۷۴-۶۷.

۳. ابراهیمی، ۱۳۸۹، صص ۱۵۹-۱۵۸.

۴. همان، ص ۱۵۹.



تمامی مناسک و اعمال دینی در ادیان کارکرد اجتماعی دارند و هدف آنها زنده نگهداشتن حس تعلق به گروه و مواظبت از اعتقاد و ایمان است.^۱ بعد مناسکی شامل اعمال دینی مشخصی همچون نماز جماعت، نماز جمعه، زیارت اماکن مذهبی و... می‌باشد. از بین این مناسک برخی مثل نماز جماعت و نماز جمعه از اهمیت بالاتری برخوردارند و برخی دیگر اهمیت کمتری دارند.

در بُعد مناسکی در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته تفاوت‌های جدی میان نسل قدیم و جدید وجود دارد که می‌توان در این زمینه از شکاف نسلی صحبت کرد. به عبارتی بهتر در این بُعد گرچه نسل پیشین مشارکت گسترده‌ای در اعمال اجتماعی دینی دارند، نسل جوان مشارکت چندانی در اعمال مناسکی مانند نماز جماعت و نماز جمعه ندارند.^۲

جدول ۲. میزان پایبندی نسل جوان به انجام مناسک دینی^۳

دینداری مناسکی	تعداد	درصد
خیلی کم	۳۴۱	۶/۸
کم	۱۰۷۸	۲۱/۴
متوسط	۱۲۶۹	۲۵/۲
زیاد	۱۳۰۲	۲۵/۹
خیلی زیاد	۱۰۳۸	۲۰/۶
جمع	۵۰۲۸	۱۰۰

تفسیر دقیق یافته‌های فوق گرچه بیانگر این است که در مقوله دینداری به صورت کلی و در بعضی از ابعاد دینداری مانند اعتقادی تفاوت چندانی به لحاظ نگرشی وجود ندارد، ولی در ابعاد دیگری مانند مناسک جمعی شاهد داده‌های کمی رو به پایین شرکت در نماز جماعت و جمعه می‌باشیم.^۴

۲-۱-۱. اعتقاد و عمل به حجاب

ادیان الهی همواره بر پوشش تأکید کرده و آن را لازمه دینداری شمرده‌اند. گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان است. اما میزان و شکل آن رابطه مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع دارد. در سرزمین‌های مختلف، انسان‌هایی که به ارزش‌های اخلاقی اعتقاد بیشتری داشته‌اند، از

۱. احمدی، ۱۳۸۸، صص ۲۸-۲۷.

۲. ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴، احمدی، ۱۳۸۸، ص ۳۵، محسنی تبریزی، کرم‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۶۴، آهنکوب‌نژاد، ۱۳۸۸، صص ۱۹-۱۷، طالبان، میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۴۹، کاظمی پور، ۱۳۸۲، صص ۱۹-۱۸، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، صص ۱۴۸-۱۴۶، معیدفر، ۱۳۸۲، صص ۶۸-۶۵، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۰، صص ۲۰۵-۲۰۴، توکلی، ۱۳۸۲، صص ۳۶۹-۳۶۵.

۳. ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲.

۴. هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۶۱.

پوشش کامل‌تر و متین‌تری استفاده کرده‌اند و هر قدر سطح ارزش‌های اخلاقی در آن جوامع پایین آمده پوشش مردان و زنان نیز در سطح پایین‌تری قرار گرفته و شکل نامناسبی یافته است.^۱

استاد شهید مطهری، ایدئولوگ انقلاب اسلامی، راجع به حجاب و عفاف می‌نویسند: «حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسایل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود».^۲ پس از انقلاب حضور زنان با پوشش اسلامی در عرصه‌های مختلف و گرایش روزافزون زنان به حجاب بیانگر بازگشت به هویت دینی در کشور بود. اما به‌نظر می‌رسد در دهه ۱۳۷۰ و در میان نسل جوان، حرکتی به سمت تغییر نوع پوشش صورت گرفته است. در واقع درحالی که نسل قدیم بیشتر خود را ملزم به پوشش چادر می‌دیدند، نسل کنونی بیشتر به استفاده از مانتو (که گاهی نوع مانتو استفاده شده نیز چندان منطبق با معیارهای اسلامی نمی‌باشد) گرایش دارند.^۳ نکته مهم این است که هنوز هم بخش اعظمی از جمعیت نسل جوان خود را موظف به رعایت حجاب چادر می‌دانند و اگر کسانی را که از هر دو نوع پوشش استفاده می‌کنند به این جمع اضافه نماییم، حدود ۶۰ درصد از جمعیت زنان و دختران را تشکیل می‌دهد.

جدول ۳. میزان استفاده از نوع پوشش در بین زنان^۴

گروه سنی	نوع پوشش		
	چادری	چادری-مانتویی	مانتویی
۲۹-۱۵	۴۴/۴	۱۵/۲	۴۰/۴
۴۹-۳۰	۶۸/۲	۱۱/۱	۲۰/۷
+۵۰	۸۶/۶	۵/۱	۸/۲

مأخذ: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۸۴

شاخص دیگری که می‌توان براساس آن می‌توان به مقایسه میزان اعتقاد به حجاب در میان نسل جدید و نسل قدیم پرداخت، شاخص عمل به احکام حجاب در اجتماع است. شاخص عمل به احکام حجاب در این پژوهش مشتمل بر چندین سؤال می‌باشد که به سنجش میزان پایبندی زنان به

۱. مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۱۷.

۲. مطهری، ۱۳۸۲، ص ۸۶.

۳. آقایانی چاوشی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۷۹.

۴. این پیمایش در سطح ملی انجام شده است.



حجاب در جامعه پرداخته است. این شاخص شامل سؤالاتی مانند در انتخاب نوع مانتو چه معیارهایی برای شما مهم است (مانتو گشاد و بلند یا مانتو کوتاه)، قبل از خروج از منزل چه مقدار آرایش انجام می‌دهید (این سؤال شامل جواب‌هایی همچون اصلاً آرایش نمی‌کنم، در حدی آرایش می‌کنم که خیلی به چشم نیاید، مشخص بودن آرایش برایم مهم نیست و آرایش می‌کنم که مرا زیباتر نشان دهد)، اگر در مراسم یا میهمانی شرکت کنید و متوجه شوید که مختلط است واکنش شما چگونه خواهد بود (ترک میهمانی، در گوشه‌ای نشستن، اهمیت نداشتن این موضوع و ادامه حضور در میهمانی) و اینکه به عروسی دعوت شده‌اید که در آن گاهی اوقات داماد و محارم عروس به سالن زنانه می‌آیند واکنش شما در این صورت چگونه خواهد بود (کاملاً حجابم را رعایت می‌کنم، کمی حجابم را رعایت خواهم کرد و یا اینکه برایم اهمیتی ندارد که در مراسم عروسی بدون حجاب و با آرایش دیده شوم) می‌باشد.^۱ به نظر می‌رسد همراه با این عوض شدن نوع پوشش ظاهری، دگرگونی اعتقادی در عمل به احکام حجاب صورت گرفته است و نسل جوان تمایل کمتری به رعایت دقیق قوانین اسلامی در زمینه حجاب و ارتباط خود با دیگران دارند.

جدول ۴. میزان عمل به احکام حجاب در بین زنان

گروه سنی	میزان پایبندی	عمل به احکام	مماشات در رعایت احکام	ترک احکام
۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۹۱/۲	۷۴/۴	۴۹/۹
۱۰-۷	۲۲/۲	۷/۹	۳۹/۷	۱۰/۴
۳/۴	۳/۴	۰/۹		

مأخذ: همان، ص ۱۸۸.

اگرچه به هیچ روی نمی‌توان وضعیت جامعه ایرانی را به لحاظ نظام ارزشی دچار یک نوع بحران بی‌هنجاری دانست؛ اما نمی‌توان چشم را به وضعیت نه چندان مساعد ارزشی نیز بست و آن را نادیده گرفت. در واقع نباید از یاد برد با رشد و توسعه جامعه ایران، تمایل به سمت ارزش‌های مادی بیش از پیش افزایش می‌یابد و این خود ضرورت‌هایی را پیش روی متولیان امر قرار می‌دهد. ابهام در ارجحیت‌های ارزشگذاری، افزایش تمایلات مادی‌گرایانه و به تبع آن سست شدن بسیاری از اعتقادات اخلاقی در کنار تعارضات ارزشی از جمله مسائلی هستند که جامعه درگیر آنهاست.^۲

۱. سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۸-۱۸۳.

۲. هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۷۱.

۲-۱. شکاف فرهنگی

یکی از عینی‌ترین شاخص‌هایی که تفاوت بین نسلی را در حوزه فرهنگ توضیح می‌دهد همانا مصرف و سبک زندگی^۱ است. سبک زندگی مواردی نظیر مد، طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتار هستند که به‌منظور برقراری تمایز بین افراد و سایرین به کار می‌آیند. سبک زندگی را می‌توان نگرش‌های هنجاری مرتبط با مصرف تعریف نمود. به عبارتی فرهنگ مصرف افراد جامعه نشئت گرفته از ارزش‌ها، سلیقه‌ها و باورهای افراد جامعه است.

مصرف فرهنگی سبک زندگی ما را شکل می‌دهد، نیازها و تمایلات ما را سامان می‌دهد، مواد لازم برای تولید تخیلات و رؤیاهایمان فراهم می‌کند، نشان‌دهنده تفاوت‌ها و تمایزات اجتماعی است و نمایانگر تولیدات ثانویه ما در به‌کارگیری ابزارهای موجود است.^۲ سبک‌های زندگی به‌عنوان رابط بین ویژگی‌های فردی اعم از ارزش‌ها، نگرش‌ها، منابع و سلیقه‌ها از یک طرف و الگوهای کنش از طرف دیگر درک می‌شوند.^۳ یکی از مهمترین وجوهی که برای سبک زندگی ذکر می‌شود این است که بر الگویی فرهنگی تأکید می‌کند که براساس نشانه‌ها، بازنمایی‌ها و رسانه‌ها شکل گرفته‌اند.^۴

سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزشگذاری محصولات مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد. سبک زندگی اساساً به معنای نمادین محصولات توجه دارد؛ یعنی آنچه که در ورای هویت آشکار این محصولات نهفته است.^۵ سبک زندگی روایت خاصی را که فرد برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم می‌سازد و مستلزم تصمیم‌گیری‌های روزانه درباره نحوه پوشش، خوراک، کار و فراغت است و چگونه بودن افراد را نیز شکل می‌دهد. در نتیجه در فرهنگ‌های سنتی که دامنه انتخاب‌ها محدود است و شیوه زندگی از نسل گذشته آموخته و تحویل گرفته می‌شود کاربردی ندارد.^۶

فعالیت‌های فرهنگی در هر سطح و از هر نوعی که باشند در قالب محصول عینی یا فیزیکی مثل کتاب، فیلم، روزنامه که کالای فرهنگی نامیده می‌شود یا در قالب محصول ذهنی یا غیرملموس (غیرمادی) مثل آموزش نویسندگی که خدمات فرهنگی نامیده می‌شود، متجلی می‌گردند. کالاهای

1. Life Style

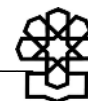
۲. کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳.

۳. رضوی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۳.

۴. کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۹۱.

۵. فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۸۲.

۶. گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱.



فرهنگی مولد یا حامل اندیشه هستند و زبان یا بیانی نمادین دارند.^۱ در واقع مصرف‌کنندگان حول کالاها و اشیایی می‌گردند که هویت‌شان را تعریف کند.^۲

محققان معمولاً برای بررسی سبک‌های مختلف زندگی به شاخص‌سازی در زمینه مصرف فرهنگی، مصرف مادی و نحوه گذران اوقات فراغت مبادرت می‌ورزند. در شاخص مصرف فرهنگی به سلیقه رسانه‌ای (تماشای برنامه‌های تلویزیونی داخلی یا ماهواره‌ای، رفتن به سینما و استفاده از اینترنت)، سلیقه موسیقایی (علاقه به موسیقی داخلی و خوانندگان ایرانی یا علاقه به موسیقی و خوانندگان خارجی) و در سلیقه مصرف مادی به (انتخاب غذاهای ایرانی، انتخاب پوشاک براساس ارزانی، معمولی و مردم‌پسند بودن، عدم علاقه به نگهداری حیوانات خانگی و انتخاب تابلوهای طبیعی و مذهبی و در مقابل علاقه به غذای خارجی انتخاب پوشاک براساس مد، راحتی و خارجی بودن، علاقه به نگهداری حیوانات خارجی و انتخاب تابلوهای غیرمذهبی)، در ارتباط با چگونگی گذران اوقات فراغت می‌توان تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای، رفتن به مساجد و اماکن مذهبی و در مقابل تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای، رفتن به سفرهای تفریحی خارجی و کنسرت‌های موسیقی اشاره کرد.^۳

طبق این تقسیم‌بندی می‌توان به دو نوع سبک زندگی، مدرن یا سنتی اشاره کرد. اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در کشور به این نتیجه منجر شده‌اند که جمعیت جوان کشور و نسل جدید، بر مبنای سبک زندگی مدرن زیست می‌کنند در حالی که جمعیت بزرگسال و نسل پدران بیشتر دارای سبک زندگی سنتی هستند.^۴

برای مثال در مورد اقبال جوانان به رسانه‌های داخلی یا ماهواره، نتایج تحقیقی که توسط سازمان ملی جوانان در سطح ملی انجام شده است نشان می‌دهد که در مجموع برنامه‌ها و عملکردهای صدا و سیما مورد قبول جوانان نیست. در عین حال پاسخ‌های آنان به سؤالات مختلف حاکی از گرایش‌های مثبت و منفی گوناگون به هر بخش از برنامه‌ها و عملکردهای صدا و سیماست. نیمی از جوانان معتقدند که افزایش شبکه‌های تلویزیونی در برآورده کردن انتظارات جوانان مؤثر بوده است، اما ۶۷ درصد آنان معتقدند که این تغییرات نتوانسته است گرایش جوانان به ماهواره را

۱. خادمیان، ۱۳۸۷، صص ۵۳-۵۴.

۲. کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۹۱.

۳. چاووشیان، ۱۳۸۱، صص ۸۷-۸۱، فاضلی، ۱۳۸۲، صص ۱۲۹-۱۲۷.

۴. هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۵۵، شیخی ینگجه، ۱۳۸۷، صص ۱۲۴-۱۱۷، یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱، چاووشیان، ۱۳۸۱، صص ۱۷۰-۱۱۱، توکلی، ۱۳۸۲، صص ۳۷۲-۳۶۳، خادمیان، ۱۳۸۷، صص ۲۲۱-۲۱۹، رضوی زاده، ۱۳۸۶، صص ۲۲۷-۲۱۷، غفوری، ۱۳۸۹، صص ۱۶۲-۶۰، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، صص ۲۸۱-۲۸۰، رحمت‌آبادی، آقابخشی، ۱۳۸۵، صص ۲۵۱-۲۴۶، بنکدار، ۱۳۹۰، صص ۲۲۸-۲۱۱ و صص ۲۶۹-۲۶۸، مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی، ۱۳۸۹، صص ۶۹-۶۸.

کاهش دهد. مشکل دیگر این است که ۶۵ درصد جوانان معتقدند تصویری که صدا و سیما از زندگی مردم ارائه می‌دهد واقعی نیست. ۷۳ درصد آنها گله‌مند از فقدان تنوع لازم در برنامه‌های رادیو و تلویزیون در ایران هستند و ۶۴ درصد آنان می‌گویند که صدا و سیما در انعکاس مسائل و مشکلات جامعه عملکرد مناسبی نداشته است. کمی بیش از نیمی از جوانان بر این باورند که صدا و سیما در بخش اخبار موجب گرایش‌های مردم به رسانه‌های بیگانه شده است. ۶۰ درصد جوانان می‌گویند که اگر امکان استفاده از ماهواره را داشته باشند ترجیح می‌دهند برنامه تلویزیونی سایر کشورها را تماشا کنند. ۵۳ درصد آنان معتقدند که صدا و سیما در مقابله با تهاجم فرهنگی غرب عملکرد قابل قبولی نداشته است و نکته دیگر آنکه ۵۷ درصد جوانان برنامه‌های صدا و سیما را شادی‌بخش و نشاط‌آفرین نمی‌دانند. ۴۵ درصد جوانان نیز برای دسترسی به اخبار و اطلاعات به رسانه‌های کشورهای بیگانه روی می‌آورند.^۱

۳-۱. شکاف قومی

در هر جامعه‌ای میان افراد آن معمولاً تفاوت‌های زبانی، مذهبی، نژادی و... وجود دارد و در دنیای امروز به سختی می‌توان کشوری یافت که مردم آن کاملاً همگن باشند. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که از تنوع قومی فراوانی برخوردار است. ایران از اقوام آذری، بلوچ، ترکمن، عرب، فارس، کرد، لر و... که دارای تنوع زبانی، مذهبی و نژادی هستند، تشکیل شده است. در مقابل این تنوع قومی، در عامل مذهب یک هژمونی وجود دارد که حدود ۸۹ درصد جمعیت ایران شیعه هستند و از سوی دیگر تنوع مذهبی اندکی در ارتباط با قومیت‌ها وجود دارد که در این ارتباط باید به بخشی از جمعیت کردها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها اشاره کرد.^۲

متأسفانه به دلیل سیاست‌های نادرست پادشاهان پهلوی در تأکید بر هویت ایرانی و سرکوب شدید هویت‌های دیگر، ذهنیت تاریخی نامناسبی در میان برخی از اقوام ایرانی شکل گرفته است. اگر چه با پیروزی انقلاب اسلامی و مشارکت همه اقوام تا حدود زیادی از این ذهنیت فاصله گرفته شد، به خصوص با توجه به حقوق و آزادی‌هایی که در قانون اساسی به اقلیت‌های قومی اعطا شد (اصول سیزدهم، پانزدهم، نوزدهم، بیستم و چهل‌وهشتم) که تا قبل از جمهوری اسلامی بی‌سابقه بود. همچنین بعد از انقلاب اسلامی توسعه اقتصادی و اجتماعی و عادلانه‌تر شدن امکاناتی نظیر آموزش در میان اقوام موجبات توسعه این اقوام را فراهم کرده است. توسعه این اقوام از دو حیث

۱. هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶، صص ۲۹-۲۸.

2. Crane, et al, 2008, p.38.



اثر مثبت داشته است. نخست از این حیث که اقوام یاد شده در قیاس با سایر اقوام مشابه در مرزها، خود را در وضعی بهتر می‌یابند (بهترین مصداق این نکته قوم کرد می‌باشد). علاوه بر این، توسعه این اقوام موجبات آن را فراهم ساخته است که خواسته‌های سیاسی آنها با منطقی مسالمت‌جویانه‌تر و در چارچوب مرزهای ملی مطرح گردد، زیرا این اقوام بسیار کمتر از پیش احساس تبعیض و تحقیر در قیاس با سایر اقوام دارند.^۱ در این بخش به بررسی قومیت‌های آذری، کردها، بلوچ‌ها و عرب‌ها و پتانسیل آنها در ارائه هویتی جداگانه در تقابل با هویت ملی می‌پردازیم.

آذری‌ها در مناطق وسیعی از ایران زندگی می‌کنند. در واقع، قلمرو اصلی این قوم مناطق غرب و شمال غرب کشور است که در چهار استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان متمرکز شده‌اند.^۲ آذری‌ها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در ایران هستند. همچنین این قوم در مناطقی چون همدان، قزوین، شمال خراسان، مرکزی، فارس و گیلان نیز پراکنده‌اند. به دلیل تنیدگی آذری‌ها در ساختار جمعیتی ایران، میراث فرهنگی مشترک، دارا بودن پست‌های مهم مملکتی، داشتن سطح رفاه بیشتر و پیوستگی‌های مذهبی، حرکات و جنبش‌های سیاسی و قومی جدایی‌طلبانه کمتری در بین آذری‌ها مشاهده می‌گردد و با تکیه بر باورها و مناسک مذهب شیعه همگرایی بالایی را با کل کشور ابراز نموده‌اند.

قوم کرد، به عنوان یکی از اقوام بزرگ ایران بیشتر در غرب کشور و در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، ایلام، لرستان، همدان و کرمانشاه ساکن هستند. تعداد کمتری از کردها نیز در شمال شرقی کشور در استان خراسان ساکنند. کردستان ایران بخشی از منطقه کردنشین بزرگ‌تری است که تا شمال عراق، جنوب ترکیه و شرق سوریه امتداد می‌یابد.^۳

بلوچ‌های ایران بیشتر در بخش جنوب شرقی کشور در استان سیستان و بلوچستان سکونت دارند. مردم استان سیستان و بلوچستان مسلمان هستند، در قسمت‌های شمالی استان مشخصاً سیستان (فارس زبان‌ها) به مرکزیت زابل شیعه مذهب‌اند، ولی در قسمت جنوبی که تحت عنوان بلوچستان شناخته می‌شوند و اکثریت جمعیت استان را تشکیل می‌دهند، بلوچ زبانان اهل سنت از فرقه حنفیه هستند.^۴

منطقه بلوچستان به عنوان بخش بزرگ استان سیستان و بلوچستان که مجموعاً حدود ۶/۵ درصد وسعت کشور را تشکیل می‌دهد به دلایلی از جمله دورافتادگی، در حاشیه بودن و به‌ویژه گسستگی

۱. کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ هویت قومی و باورهای اجتماعی، صص ۳۴-۳۳.

۲. صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵.

۳. احمدی، ۱۳۷۸، صص ۷۸-۷۷.

۴. صالحی امیری، ۱۳۸۵، صص ۱۳۰-۱۲۹.

فضایی این استان با مناطق مرکزی و داخلی به واسطه وجود دو صحرای بزرگ دشت لوت و دشت کویر با انزوای جغرافیایی مواجه بوده که عملاً باعث واگرایی عمیق بلوچ‌ها از نظر سیاسی نسبت به حکومت مرکزی در طول تاریخ شده است.^۱ شاید همین گسستگی فضایی - طبیعی بین استان و مرکز و نیز با شمال و غرب کشور، اصلی‌ترین موجبات گسستگی فرهنگی و اقتصادی این منطقه را با سایر نقاط کشور فراهم ساخته است.^۲

حضور افغانی‌ها، قاچاقچیان بین‌المللی، قدرت‌های سلطه‌طلب، دستجات مسلح، امکان دسترسی سهل و آسان به اسلحه، هم‌مرزی با پاکستان و افغانستان و امکان فرار از مرز، وجود فقر و فاقه شدید، محرومیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و عقب ماندگی‌های تاریخی و... مجموعه‌ای به هم پیوسته است که از منظر این محققین بستر بحران امنیتی - اجتماعی را در سطح منطقه بلوچستان پدید می‌آورد.^۳

اعراب ایران در قسمت جنوب غرب کشور در استان خوزستان سکنی دارند. گرچه در سایر مناطق کشور به‌طور پراکنده عرب‌زبان‌ها زندگی می‌کنند، به‌خصوص جنگ تحمیلی باعث مهاجرت تعداد زیادی از اعراب به دیگر مناطق کشور و باعث سکونت طولانی مدت آنها در این مناطق شد که تعدادی از آنها نیز بعد از پایان جنگ به محل سکونت اولیه خود برنگشتند.

خوزستان از لحاظ طبیعی به دو ناحیه مشخص کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود که مناطق کوهستانی آن بیشتر محل سکونت لرها، بختیاری‌ها، بهبهانی‌ها و اعراب کمری (جبیلات) است و منطقه جلگه‌ای خوزستان که مردمان و اقوام دزفولی، شوشتری، هندیجانی و اعراب خوزستان سکونت دارند.^۴ از شهرهای خوزستان که اعراب در آنها زندگی می‌کنند می‌توان به اهواز، سوسنگرد، شوش، آبادان، خرمشهر و شادگان اشاره کرد. اکثر عرب‌های خوزستان شیعه و برخی طوائف آن نیز سنی مذهب هستند. وابستگی قبیله‌ای هنوز در میان آنها شدید است. این وابستگی‌ها در مناطق روستایی جنوب خوزستان شدیدتر است. حدود ۱۶۰ طایفه را می‌توان در میان اعراب فعلی ایران شناسایی و متمایز کرد.^۵

به دلیل ادغام اعراب در ساختار اقتصادی و فرهنگی استان و تقویت پیوندهای اقتصادی و معیشتی، زمینه چندان برای تحرک سیاسی مجدد و ظهور گرایش‌های گریز از مرکز در میان عرب زبانان جنوب ایران وجود ندارد. در تحقیقاتی و پژوهش‌هایی که راجع به احساس هویت ملی در

۱. حافظ‌نیا، کاویانی، ۱۳۸۵، ص ۳۲.

۲. کریمی‌پور، ۱۳۷۱، ص ۱۵۱.

۳. صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص ۳۵۶.

۴. همان، صص ۱۴۰-۱۳۹.

۵. عزیزی بنی طرف، ۱۳۷۲، صص ۱۳-۱۱.



مناطق عرب‌نشین خوزستان صورت گرفته است شاهد هستیم که آنها درصد همگرایی بسیار بالایی با دیگر قومیت‌های خوزستان دارند و به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند و زمینه برای فعال شدن شکاف قومی در سطح مردم عرب وجود ندارد.^۱

در یکی از این پژوهش‌ها با جامعه آماری ۴۱۵ نفر از ۱۸ تا ۶۰ سال که حداقل دارای مدرک دیپلم بوده‌اند و از ۷ شهر عرب‌نشین استان خوزستان انتخاب شده‌اند، حدود ۷۴ درصد به میزان خیلی زیاد و زیاد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند و در مقابل تنها حدود ۷/۹ درصد به ایرانی بودن خود افتخار نمی‌کنند. حدود ۷۸/۵ درصد نیز در تعریف هویت خود با آموزه‌های اسلامی، ایرانی و عربی، گزینه «من عرب ایرانی مسلمان هستم» را انتخاب نموده‌اند که در مقابل تنها ۲۱/۵ عرب بودن خود را مهمتر از هویت اسلامی ایرانی دانسته‌اند. حدود ۹۰ درصد پرسش‌شوندگان نیز بیان داشته‌اند که در صورت هرگونه تهدید علیه کشور حاضرند با تمام قوا از کشور دفاع کنند.^۲

۱-۳-۱. دلایل فعال شدن شکاف‌های قومی و سیاسی شدن قومیت‌ها

علل ایجاد بحران‌های قومی در ایران را باید بر مبنای الگویی استوار ساخت که برای توجیه آن دلایل و مستندات تاریخی کافی و معتبر وجود داشته باشد. با بررسی تاریخ تحولات ایران متوجه می‌شویم که فعال شدن شکاف قومی و درگیر شدن کشور در یک بحران تمام عیار منوط به جمع شدن عوامل زیر است و بالطبع همزمانی وقوع این عوامل باعث می‌شود که بحران و ناآرامی که ایجاد می‌شود نیز گسترده‌تری داشته باشد.

نمودار ۱. عوامل لازم برای فعال شدن شکاف قومی



۱. جلایی پور، قنبری، ۱۳۸۸، صص ۱۸۵-۱۷۵، لهسایی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۷۰-۴۵، اکوانی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۴، یوسفی، اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۸، صص ۱۴۴-۱۲۵.
۲. اکوانی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۵-۱۱۴.

الف) محرومیت نسبی^۱

بر مبنای نظریه احساس محرومیت نسبی، تمایز تبعیض آمیز منجر به سیاسی شدن قومیت‌ها و در نهایت کشمکش‌های داخلی خشونت آمیز می‌شود. باید توجه داشت که محرومیت نسبی به بررسی جنبه روانشناختی افراد می‌پردازد که منجر به تشدید حس هویت جمعی و منافع مشترک می‌شود. شارح این نظریه، تد رابرت گر^۲ است. به عقیده رابرت گر وجود فاصله میان انتظارات ارزشی، یا کالاها، امکانات و خدماتی که مردم در زندگی به صورت توجیه‌پذیری خود را مستحق آن می‌دانند و قابلیت‌های موجود در محیط اجتماعی و فیزیکی در پاسخگویی به این انتظارات، تصور محرومیت نسبی را به لحاظ اقتصادی، سیاسی و روانشناختی در گروه‌های اجتماعی شکل می‌بخشد.^۳ نکته مهم این است که احساس محرومیت می‌تواند بیانگر واقعیت محرومیت‌ها باشد، می‌تواند جعلی و توهمی نیز باشد. این ساختگی بودن و خیال‌پردازانه بودن می‌تواند توسط خود یا دیگران ایجاد و القا شود.^۴

هر قدر میزان احساس محرومیت در یک قوم بیشتر باشد و آن قوم احساس کند که فرهنگ، زبان و ارزش‌هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است، گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم در آن قوم تشدید می‌شود که در حالت افراطی، این گرایش و تمایل به شکل قوم‌مداری متجلی خواهد شد.^۵

در اکثر تحقیقاتی که به بررسی اجرای عدالت ازسوی نظام سیاسی در بین اقوام و استان‌های کشور صورت گرفته است، متأسفانه اقلیت‌های قومی بر این باورند که سیستم توجه یکسانی به مناطق مختلف کشور ندارد و همین حس تبعیض باعث می‌شود که به‌طور بالقوه زمینه برای نارضایتی در بین اقوام وجود داشته باشد و در صورت جمع شدن این عامل با عوامل دیگر زمینه برای یارگیری در بین این اقلیت‌ها ازسوی مخالفان نظام فراهم باشد. این مسئله در بین اقوام کرد، عرب و بلوچ مشاهده می‌گردد، این احساس در بین کردها و بلوچ‌ها بسیار قوی‌تر است.^۶

در یکی از پژوهش‌ها که به بررسی تأثیر نابرابری‌های قومی بر امنیت ملی در دو استان اصفهان و کردستان با استفاده از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخته است، حدود ۱۸ درصد از پاسخگویان اصفهانی با این نظر که حکومت برای همه اقوام کشور ارزش و احترام یکسانی قائل

1. Relative Deprivation

2. Ted Robert Gurr

۳. مقصودی، ۱۳۸۰، صص ۲۰۴-۲۰۲.

۴. همان، ص ۲۸۶.

۵. قیّم، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳.

۶. هزار جریبی، مروتی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱، لهسایی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۹، جلائی پور، قنبری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷، عبداللهی، حسین‌بر، ۱۳۸۱، ص ۱۲، کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ هویت قومی و باورهای اجتماعی، صص ۲۸-۲۷.



است، مخالف بوده‌اند در حالی که حدود ۵۳ درصد از سوی پاسخگویان کردستانی با این نظر مخالف بوده و خلاف آن را تأیید کرده‌اند. در پاسخ به سؤال، ایرانی بودن را تا چه اندازه برای خود افتخار می‌دانید؟ پاسخ‌ها بدین ترتیب بوده است: نزدیک به ۵ درصد از پاسخگویان اصفهانی پاسخ اصلاً و یا خیلی کم را ذکر کرده‌اند و نزدیک به ۶۶ درصد دیگر از آنها پاسخ خیلی زیاد و کاملاً را انتخاب نموده‌اند. این آمار برای کردستان به گونه‌ای متفاوت است، بدین ترتیب که ۱۱ درصد از پاسخگویان کردستانی به سؤال مطرح شده پاسخ اصلاً یا خیلی کم داده و فقط حدود ۴۴ درصد پاسخ خیلی زیاد و کاملاً را ذکر کرده‌اند.^۱

در پژوهش دیگری که جامعه آماری تحقیق، کلیه عرب‌زبانان شهر اهواز بین ۱۸ تا ۶۵ سال با حجم نمونه آماری ۵۶۰ نفر می‌باشد، ۴۷/۲ درصد از پاسخگویان موافقند که اقوام در ایران از حقوق برابری برخوردارند و ۵۲/۲ درصد از پاسخگویان موافق نیستند که اقوام در ایران از حقوق برابری برخوردارند و با این عبارت مخالفند. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که ۲۹ درصد از پاسخگویان معتقدند که در ایران عرب‌ها از همه آزادی‌های مدنی و لازم برخوردارند و ۷۱ درصد از پاسخگویان هم مخالفند که در ایران عرب‌ها از همه آزادی‌های مدنی و لازم برخوردارند. همچنین ۳۰ درصد از پاسخگویان موافقند که نسبت به اعراب در ایران اجحافی نشده است و ۷۰ درصد از پاسخگویان موافق نیستند که در ایران نسبت به اعراب اجحافی نشده است و با این عبارت مخالفند. ۳۳ درصد از پاسخگویان موافقند که حکومت عرب‌ها را مثل فارس‌ها می‌داند و ۶۷ درصد از پاسخگویان موافق نیستند که حکومت عرب‌ها را مثل فارس‌ها می‌داند.^۲

در پژوهشی دیگری که جامعه آماری آن کلیه دانشجویان پسر و دختر بلوچ سه دانشگاه سیستان و بلوچستان، علوم پزشکی زاهدان و آزاد اسلامی است، دانشجویان بلوچ رتبه قوم خود را در میان اقوام مطرح شده در پرسشنامه (آذری، بلوچ، ترکمن، عرب، فارس، کرد و لر) از نظر میزان بهره‌مندی از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در کشور در ردیف آخر (هفتم) ارزیابی کرده‌اند.^۳ در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم) در شهر زاهدان، پرسش‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که حکومت در کشور ما برای همه اقوام کشور (لر، کرد، بلوچ و...) ارزش و احترام یکسانی قائل است، شما با این نظر بیشتر موافق هستید یا مخالف، حدود ۳۳ درصد پاسخگویان با نظر مخالف هستند یا در درست بودن این گزاره ابراز تردید کرده‌اند.^۴

۱. هزار جریبی، مروتی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰.

۲. جلالی‌پور، قنبری، ۱۳۸۸، صص ۱۷۸-۱۷۷.

۳. حسین‌بر، عبداللهی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱.

۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹.

نکته مهم بر مبنای این نظریه این است که شاید واقعیت خلاف این امر باشد، ولی در اینجا این احساس مردم است که به‌عنوان عامل تأثیرگذار در نظر گرفته می‌شود.

ب) ضعف دولت مرکزی

کاهش قدرت حکومت مرکزی، ارتباط معناداری با بروز بحران‌های قومی و منطقه‌ای و یا در سطوح نازل‌تری با تنش‌ها و ناآرامی‌های محلی دارد. این ارتباط معنادار به‌صورت رابطه معکوس متجلی شده است. بدین صورت که در اوج قدرت سیاسی با مناقشات قومی مهمی مواجه نیستیم، ولی هنگامی که قدرت دولت به سراشیبی سقوط می‌افتد، بر حدت و شدت درگیری‌های قومی - محلی در ارتباط با دولت مرکزی افزوده می‌شود.^۱ با نگاهی به تاریخ متوجه می‌شویم که شدیدترین ناآرامی‌ها در زمانی صورت گرفته است که حکومت در کشور در حال جابجا شدن بوده است و اقلیت‌ها با استفاده از ضعف دولت مرکزی در کنترل تمامی مناطق کشور با راه‌اندازی گروه‌ها و دسته‌هایی اقدام به طرح خواسته‌های جدایی‌طلبانه و یا خودمختاری کرده‌اند. در زمان انتقال قدرت از قاجار به پهلوی، جنگ جهانی دوم و انتقال قدرت به محمدرضا پهلوی و در زمان براندازی نظام شاهنشاهی و تشکیل جمهوری اسلامی اقلیت‌های قومی کشور با بهره‌گیری از خلأ ایجاد شده و تثبیت نیافتن نظام حاکم، اقتدار دولت مرکزی را به چالش طلبیدند و به طرح ادعاهای خودمختاری و جدایی‌طلبانه پرداختند.

ج) دخالت‌های عامل خارجی

دلیل دیگری که می‌تواند منجر به ایجاد شکاف‌های قومی فعال شود، دخالت قدرت‌های خارجی است. با قاطعیت می‌توان مدعی شد در صورتی که حمایتی از جانب کشورهای بزرگ و مداخله‌گر صورت نمی‌پذیرفت هرگز شاهد شکل‌گیری شورش‌های قومی در کشور نمی‌بودیم. در این باره نقش کشورهای روسیه، انگلیس و آمریکا در ایجاد و تشدید بحران قومی در ایران بسیار زیاد است.

وجود جمعیتی از هم‌تباران فرهنگی و خونی در آن سوی مرزها به لحاظ آئینی، زبانی، فرهنگی و نژادی نیز می‌تواند در مطرح شدن و فعال شدن شکاف قومی تأثیرگذار باشد. این اتفاق ممکن است به دو گونه رخ دهد. اول اینکه در خود کشور ما شکل‌گیری مناقشات گروهی زمینه دخالت و سوءاستفاده توسط کشورهای همسایه را که با آن اقلیت دارای پیوندهای مشترک هستند، فراهم آورد یا اینکه ممکن است دامنه منازعات و چالش‌های قومی کشورهای مجاور به‌واسطه پیوندهایی با اقوام داخل کشور، این سوی مرزها را متأثر سازد که آثار نامطلوبی بر روند تأمین و حفظ امنیت، یکپارچگی و حفظ انسجام کشور داشته باشد.

۱. مقصودی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۲.



د) توزیع نابرابر منابع و امکانات

دلیل دیگری که می‌تواند به‌عنوان محرک باعث شود تا مناطق قومی به سمت تقابل با هویت ملی حرکت نمایند، توزیع نابرابر امکانات است. نکته مهم این است که برابری کامل همه مناطق و نواحی با توجه به مزیت‌های نسبی و صرفه‌های اقتصادی داخلی و خارجی غیرممکن و امری محال است.^۱ در واقع ممکن است نابرابری‌های اقتصادی مناطق مختلف یک کشور نتیجه سیاست‌های هدف‌دار و سازمان‌یافته آن دولت برای محروم ساختن یک منطقه نسبت به منطقه دیگر نباشد.^۲ با وجود این، چگونگی توزیع منابع (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) در جامعه، نابرابری‌های زیاد میان مناطق و احتمال وجود کم‌توجهی می‌تواند به‌عنوان یک محرک باعث بروز مسائل قومی شود. کم‌توجهی به رشد و پیشرفت این مناطق می‌تواند زمینه‌ای ایجاد کند تا مخالفان نظام با دست گذاشتن بر این نقطه ضعف، موجبات افزایش نارضایتی در این مناطق را فراهم کنند و در این صورت گروه‌های قومی مخالف فرصت یارگیری را به‌دست می‌آورند. در ایران به نظر می‌رسد بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامونی از توسعه‌یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالایی به منابع ملی برخوردار است. در پژوهش‌هایی که راجع این موضوع صورت گرفته است می‌توان به این موضوع اذعان داشت که استان‌های کردنشین، سیستان و بلوچستان و خوزستان (با درجات متفاوت) بیشتر شامل این موضوع شده‌اند و در تمامی پژوهش‌ها استان آذربایجان شرقی نسبت به دیگر مناطق قومی از پیشرفت بسیار بهتری برخوردار بوده است و در رده استان‌های توسعه‌یافته قرار گرفته است.^۳

براساس پژوهشی که از سالنامه‌های آماری کشور و استان‌ها در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ مبادرت به استخراج شاخص‌های اقتصادی - فرهنگی برای رتبه‌بندی استان‌ها به لحاظ درجه توسعه‌یافتگی نموده است، استان آذربایجان شرقی با درجه ۰/۳۰۱ (رتبه هفتم کشور)، کردستان ۰/۵۰۹ (رتبه ۲۱ کشور)، خوزستان ۰/۶۴۹ (رتبه ۲۷ کشور)، سیستان و بلوچستان ۱ (رتبه ۳۰ کشور) را به‌دست آورده‌اند.^۴

براساس پژوهش دیگری که مبنای رتبه‌بندی استان‌ها در آن داده‌های مرکز آمار ایران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، در اغلب شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی،

۱. مقصودی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰.

۲. میرزایی، ۱۳۸۵، ص ۷۸.

۳. هئیت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۴۵، اطاعت، موسوی، ۱۳۹۰، صص ۸۷-۷۰، لهسایی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۷۰-۴۵، افضل‌ی، ضرغامی، ۱۳۸۸، ص ۸۶، رضائیان، ۱۳۷۹، صص ۱۳۹-۱۱۷، زیاری، ۱۳۷۹، صص ۱۰۲-۹۲، کاظمی، زمانیان، ۱۳۸۴، صص ۱۵۶-۱۴۱، حسین‌بر، عبداللہی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱، صادقی، ۱۳۸۹، صص ۱۵۳-۱۲۹، صالحی امیری، ۱۳۸۵، صص ۲۷۲-۲۷۳، کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ هویت قومی و باورهای اجتماعی، ص ۱۸.

۴. اطاعت، موسوی، ۱۳۹۰، ص ۸۲.

مناطق قومی پایین‌تر از میانگین کشوری و دیگر استان‌ها قرار دارند و تنها استان آذربایجان در بسیاری از شاخص‌ها از سطح میانگین کشوری بالاتر است.

جدول ۵. مقایسه استان‌ها به لحاظ پیشرفت شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی^۱

استان	پارامترها	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت اقتصادی	جمعیت باسواد به هزار نفر	میزان باسودی	تعداد کتابخانه
کردستان	۱۰/۶	۳۹/۳	۱۳۰۸	۷۷/۴۸	۳۸	
خوزستان	۱۲/۸	۳۶/۶	۳۸۲۶	۸۳/۶۲	۸۹	
آذربایجان شرقی	۵/۳	۴۹	۳۲۹۰	۸۱/۵۶	۱۱۲	
سیستان و بلوچستان	۱۰/۹	۳۸/۳	۲۰۲۷	۶۸/۰۱	۴۹	

ه) نخبگان قومی و غیرقومی

نخبگان قومی با اهداف خاص (با وعده‌های خودمختاری و استقلال)، رهبری گروه‌های سیاسی اجتماعی را در اختیار می‌گیرند و سعی در عمیق‌تر نمودن شکاف‌های موجود بین این گروه‌ها و حکومت مرکزی را دارند. در این باره نقش پیشه‌وری در آذربایجان، شیخ خزعل در خوزستان، قاضی محمد، قاسملو و شیخ‌عزالدین حسینی در کردستان و... در تحریک و بسیج قومی بسیار مهم بوده است. گاهی نیز نخبگان غیرقومی برای مقابله با حکومت تلاش دارند که از نیروی اقلیت‌ها استفاده ببرند و زمینه را برای تحریک و مشارکت آنها بر علیه حکومت فراهم نمایند. در واقع به نظر می‌رسد آنچه که بیشتر منجر به بحران قومیتی در ایران می‌شود بیشتر تحریک عامل خارجی و نخبگان می‌باشد که اگر با عوامل دیگر نیز همراه گردد می‌تواند منجر به بحران دنباله‌داری شود.

۲. بررسی تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر فرآیندهای سیاسی

شکاف‌ها متغیرهای بسیار مهمی در تحولات سیاسی به حساب می‌آیند و اگر درست، دقیق و سریع شناخته شوند به راحتی می‌توان به جای نگرستن به تهدیدات آنها از نیروی آنها استفاده کنیم. هر شکاف فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری را به همراه دارد، اما اغلب در اثر تجمیع، تشدید و سرکوب شدن نیروی مخرب انقلابی را جهت تغییر وضع موجود با خود به همراه می‌آورند. این احتمال وجود دارد ایران با تمام پتانسیل‌ها و امکاناتی که دارد در دهه ۱۳۹۰ با شکاف روبرو شود که این شکاف‌ها تهدیدهایی برای بقا و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران باشند.

۱. افضلی، ضرغامی، ۱۳۸۸، ص ۸۶



در جامعه‌ای با نهادهای سیاسی واسط قوی بین دولت و مردم (احزاب، سندیکاها و...) و توافق و اجماع جامعه بر سر ارزش‌ها، فرآیندهای سیاسی بیشتر در چارچوب فرآیندهای سیاسی مشارکتی مسالمت‌آمیز جریان می‌یابد و شکاف‌ها هم اگر در چنین جامعه‌ای فعال گردند کمتر خواهان تغییرات رادیکال هستند، اما در جوامعی با نهادهای سیاسی ضعیف اگر شکاف‌های جامعه فعال گردند منجر به خشونت، تظاهرات و نافرمانی‌های مدنی می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران می‌توان از چند جنبه به بررسی تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر فرآیندهای سیاسی پرداخت. به نظر می‌رسد در ایران امروز ضمن اینکه جامعه با شکاف‌های متعددی روبروست، این شکاف‌ها گاهی نیز برهم منطبق شده‌اند و در ضمن نوع و ماهیت برخی از شکاف‌ها نیز عقیدتی و ایدئولوژیک می‌باشد.

تعدد شکاف‌های اجتماعی به بی‌ثباتی‌های سیاسی داخلی منجر می‌شود و امکان یافتن وجوه اشتراک (مخرج مشترک) میان گروه‌بندی‌های موجود در جامعه کمتر می‌شود. در چنین شرایطی امکان مذاکره و مصالحه میان گروه‌ها نیز کمتر می‌شود و احتمال روی آوردن گروه‌های رقیب به خصومت و درگیری‌های خشونت‌آمیز بیشتر می‌شود. در موارد متعددی نیز شکاف‌های قومی، مذهبی، منطقه‌ای، اقتصادی و با یکدیگر منطبق شده‌اند و بر شدت تمایزات و شکاف‌ها افزوده‌اند. از سویی دیگر، برخی از شکاف‌ها برگرفته از تمایز و اختلاف بر سر موقعیت و منافع اقتصادی هستند، درحالی که برخی از شکاف‌ها از تفاوت‌های هویتی یا عقیدتی سرچشمه می‌گیرند. پیوندها و مشارکت برآمده از شکاف‌های هویتی (نظیر شکاف‌های نژادی و قومی) و شکاف‌های عقیدتی (نظیر شکاف‌های مذهبی و ایدئولوژیک) به احتمال زیاد حاوی خصومت بیشتری نسبت به پیوندها یا مشارکت برآمده از شکاف‌های اقتصادی (نظیر شکاف‌های صنفی، حرفه‌ای و طبقاتی) هستند.^۱

درواقع بعضی از شکاف‌ها بازی با حاصل جمع جبری مضاعف هستند که بیشتر شکاف‌های اقتصادی می‌باشند درحالی که شکاف‌های هویتی و عقیدتی بازی با حاصل جمع جبری صفر هستند و ممکن است منجر به مشارکت‌های خشونت‌آمیز شود که حتی می‌تواند باعث به چالش کشیدن نظام سیاسی گردد. به عبارت بهتر شکاف‌های نسلی و عقیدتی موجب می‌شود که مشروعیت حکومت زیر سؤال برود و مشروعیتی دیگر در مقابل نظام سیاسی قد علم کند.

در دهه ۱۳۹۰ شکاف‌های فرهنگی، نسلی، طبقاتی و درآمدی به همراه فشارها و دخالت‌های بین‌المللی با ابزارهای نوین چندرسانه‌ای (در عین حال که تاریخ جدیدی را روبروی ایران گشوده است) توانایی ایجاد بحرانی فراگیر برای سیستم سیاسی را داراست. تحصیلات و نظام آموزش عالی به علت ساختار طبقه متوسط آن رویکردی انتقادی به سیاستگذاری حکومت دارد. همچنین اگر

چه رسانه‌های سنتی از مسجد، بازار تا رادیو و تلویزیون فرهنگ اسلامی را بازتولید می‌کنند، اما ماهواره، موبایل و اینترنت شکاف‌ها را به سمت تشدید و رادیکال شدن سوق می‌دهند و به بازتولید آموزه‌های سکولاریستی و بازنمایی‌های نسبی خود مشغولند. در شورش‌های سال ۱۳۸۸ دو خرده فرهنگ ملی و مدرن علیه فرهنگ اسلامی متحد شدند و تلاش داشتند تا فرهنگ اسلام‌گرایی را از صحنه سیاسی ایران حذف نمایند. نخبگان حامل این خرده فرهنگ‌ها در پی مشروعیت‌زدایی از فرهنگ سیاسی اسلامی بودند که در رسیدن به اهداف خود به دلیل عدم اقبال جامعه ناکام ماندند.

سازمان‌دهندگان شورش‌های بعد از انتخابات تلاش فراوانی نمودند تا حول محور شکاف‌های اجتماعی در ایران، حرکت اعتراضی وسیعی را سازماندهی نمایند و اعتراضات خود را به جنبشی وسیع علیه حاکمیت تبدیل نمایند. آنها تأکید فراوانی داشتند تا جوانان، زنان، دانشگاهیان و قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی را با خود همراه سازند. به عبارتی بهتر آنها در پی این بودند تا با فعال نمودن شکاف‌های اجتماعی و ناکارآمد نشان دادن نظام سیاسی به یارگیری وسیع از شکاف‌های نسلی، فرهنگی، جنسیتی، شکاف مرکز - پیرامون و شکاف قومی بپردازند. طرفداران این شورش‌ها همچنین تلاش فراوانی نمودند تا بین دولت و مردم شکاف عمیقی ایجاد کنند و ایدئولوژی جایگزینی را برای ایدئولوژی حاکم ترسیم نمایند. آنها در پی این بودند تا از طریق فضای اینترنت، ارتباطات شبکه‌ای و افقی عده‌ای بیشتری را با خود همراه کنند و به شدت به دنبال ایجاد بحران اعتماد به نظام، از بین بردن مشروعیت و مقبولیت نظام و انسجام و یکپارچگی اجتماعی بودند.

به نظر می‌رسد در دهه پیش‌رو، شکاف‌هایی که می‌توانند تأثیر فراوانی بر روندهای سیاسی داشته باشند و توانایی به چالش کشیدن نظام سیاسی را دارند شکاف‌های نسلی و فرهنگی است و شکاف‌های اقتصادی و درآمدی بیشتر به عنوان محرک عمل می‌کنند.

۳. تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی

با توجه به نظریات تضاد در جامعه‌شناسی سیاسی، شکاف‌های اجتماعی می‌توانند در یک جامعه به صورت وضعیت‌های زیر تجلی یابد:

- الف) وضعیتی که در آن شکاف‌های اجتماعی فعال نشده باشند (به عبارت دیگر تفاوت‌ها و علایق گوناگون - که وجود آنها در هر جامعه‌ای طبیعی است - به صورت تضاد منفی ادراک نشوند).
- ب) وضعیتی که در آن شکاف‌های اجتماعی فعال شده باشد، اما امکان ابراز (آنها در چارچوب نظام سیاسی) و حل و فصل نهادینه شده (قانونی) آن موجود باشد.
- ج) وضعیتی که شکاف‌های اجتماعی به سرعت فعال شده، امکان ابراز و یا حل و فصل نهادینه



شده آنها موجود نباشد، اما توانایی لازم در جهت مدیریت بحران و کنترل از طریق نیروهای امنیتی (نظامی - انتظامی) موجود باشد.^۱

د) وضعیتی که شکاف‌های اجتماعی (به‌خصوص شکاف هویتی و فرهنگی که قاعده بازی در آنها بازی با حاصل جمع جبری صفر می‌باشد) فعال شده باشد و عامل خارجی نیز با دخالت‌های خود زمینه گسترش اختلافات و گذار از تعامل و مذاکره به سمت حرکت‌های خشونت‌آمیز را فراهم می‌آورد. در این صورت نظام سیاسی با چالش بزرگی مواجه می‌شود که کنترل آن به شدت سخت خواهد بود. دو وضعیت آخر باعث می‌شوند که امنیت ملی یک کشور به شدت زیر سؤال برود.

۱-۳. امنیت اجتماعی

تضمین امنیت ملی از مهمترین شاخصه‌های یک حکومت پایدار و مقتدر است که باعث می‌شود حکومت با فراغ بال در پی پیشرفت و توسعه کشور باشد. امنیت ملی در این گزارش به معنی ثبات سیاسی، اجتماعی و جلوگیری از گسست در وحدت ملی تعریف شده است و به مفهوم سیاسی صرف نیست، بلکه ابعاد اجتماعی آن را نیز دربرمی‌گیرد. از این منظر، امنیت ملی به معنای یک هویت اجتماعی - سیاسی است و به شیوه زندگی مردم که حکومت را در دست دارند مربوط می‌شود، از جمله به نوع سازماندهی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادیشان و نیز حقوقشان برای پرورش خویش تحت حاکمیت خودشان.^۲

باری بوزان^۳ نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت و هراس»^۴ به‌کار برد. امنیت اجتماعی به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که براساس آن، افراد خود را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهند. امنیت اجتماعی راجع به تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هایی است که الگوهای فرهنگ و هویت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۵ با این نگاه، منظور از امنیت اجتماعی پایدار هویت، منافع و منزلت گروه‌های اجتماعی و راهکارهای حل کشمکش‌های اجتماعی موجود در چارچوب فرهنگ هر جامعه است. در اینجا، مرجع امنیت گروه‌های اجتماعی هستند نه دولت.^۶ برجسته شدن نقش گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای حد فاصل بین افراد و حکومت‌ها، مبحث امنیت

۱. قدرت‌زاده، ۱۳۸۹.

۲. آزر، این مون، ۱۳۷۹، صص ۳۲-۳۳.

3. Barry Buzan

4. People, State and Fear

5. Stone, 2009, p.5.

۶. غزایاق زندی، ۱۳۸۸، ص ۹۳.

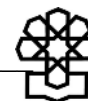
اجتماعی را تا حد امنیت ملی ارتقا بخشیده و براساس این امنیت ملی مخدوش از امنیت ملی پایدار متمایز شده است.^۱

فعال شدن شکاف‌های اجتماعی مانند شکاف قومیتی، نسلی، طبقاتی و فرهنگی و تراکم آنها سبب می‌شود نزاع‌ها و پیکارهای مزمن، انسجام و همبستگی اجتماعی را سست کند. مسئله یکپارچگی، زیربنای اجتماعی و فرهنگی یک سیستم مدیریت امنیتی را شکل می‌دهد. صورت‌بندی علایق ملی و هم مکانیسم کلی نرم‌افزاری، با توجه به میزان یکپارچگی، مشروط می‌گردد. ناکامی در یکپارچه ساختن گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیلشان به یک نیروی سیاسی متحد، تهدیدات جدید امنیتی را به همراه داشته، زیرساخت‌های سیاسی کلان را چندپاره ساخته و توان سیاست‌سازی را تضعیف می‌کند.^۲

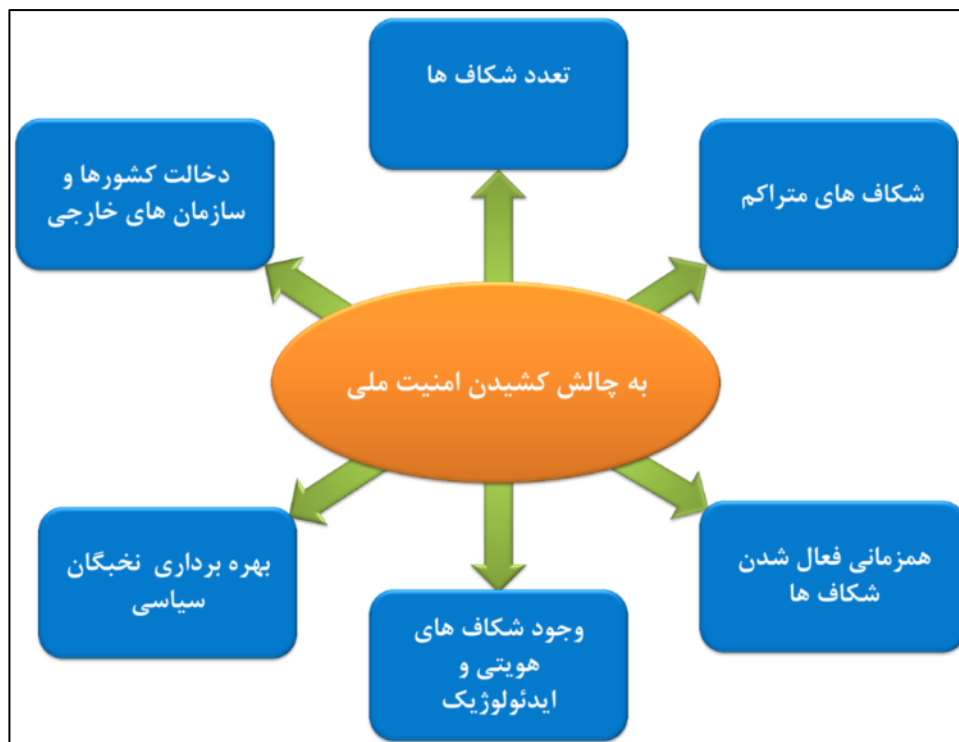
به همین دلیل است که حکومت‌ها تلاش می‌کنند تا شکاف‌های اجتماعی همچنان غیرفعال باقی بمانند و یا از ایجاد شکاف‌های متراکم جلوگیری کنند. شکاف‌های متراکم یکدیگر را تقویت می‌کنند و غالباً دو یا چندقطبی شدن جامعه را در پی دارند. بر همین اساس بسیاری از نظریات تغییر اجتماعی بر این باورند که شکاف‌ها و گسست‌های اجتماعی و سیاسی نقش مهمی در بروز شورش‌ها، جنبش‌ها و انقلابات سیاسی - اجتماعی دارند. هدف این نیست که جمهوری اسلامی در امنیت کامل و مطلق باشد (دستیابی به چنین هدفی تقریباً غیرممکن است)، بلکه هدف این است که جمهوری اسلامی به قدر کافی امن باشد. بالطبع تعدد شکاف‌ها، شکاف‌های متراکم، وقوع همزمان آنها، وجود شکاف‌های هویتی و ایدئولوژیک، بهره‌برداری نیروهای مخالف از این شکاف‌ها و یارگیری از شکاف‌ها برای تقابل با حکومت باعث به چالش کشیدن امنیت ملی، تضعیف هویت ملی و انسجام اجتماعی می‌شود. نیروها و گروه‌های شکل گرفته حول شکاف‌ها با ائتلاف علیه نظام، به دنبال مشروعیت‌زدایی و کاهش میزان رضایت مردم نسبت به کارآیی سیستم سیاسی هستند. در این بین نیروها و بازیگران خارجی در راستای اهداف خود، در پی جهت دادن شکاف‌های اجتماعی به تقابل‌های اجتماعی آشتی‌ناپذیر می‌باشند تا در قالب شورش و انقلاب زمینه فروپاشی نظام فراهم شود (نمودار ۲).

۱. نصری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲.

۲. آزر، این مون، ۱۳۷۹، صص ۱۱۷-۱۱۶.



نمودار ۲. چگونگی ترکیب شکاف‌های اجتماعی برای به چالش کشیدن امنیت ملی



وقوع انقلاب‌های رنگی در چندین کشور بلوک شرق تقریباً در قالب چنین الگویی صورت گرفت. در تمامی این دگرگونی‌های سیاسی صرفاً با تأکید بر شکاف‌های اجتماعی و تغییر در ارزش‌ها و الگوهای رفتاری از رژیم‌های سیاسی حاکم مشروعیت‌زدایی شد و از طریق نیروهای اجتماعی، که به عضوگیری از شکاف‌های اجتماعی پرداخته بودند و ایجاد بی‌ثباتی، قدرت سیاسی جابجا شد.

۲-۳. شکاف قومی و امنیت ملی

منظور از فعال شدن شکاف قومی در اینجا سیاسی شدن علائق زبانی، مذهبی و سایر مظاهر کهن و تبدیل شدن آن به عناصر اصلی بسیج سیاسی در فرآیند سیاسی جامعه است. به عبارت بهتر شکاف قومی زمانی بروز می‌کند که ارزش‌ها و تعلقات گروهی و قومی در تقابل با ارزش‌های ملی، به صورت فعالیت‌های سیاسی آشکار در قالب جنبش‌ها تجزیه‌طلب قومی جلوه‌گر شود و خواستار مشروعیت ارضی جداگانه‌ای به معنای استقلال‌خواهی و یا حداقل طلب خودمختاری باشد و در این شرایط دولت نمی‌تواند به عنوان یک واحد ملی کارآمد اجرای نقش کند.

محققان گروه‌های هویتی قومی را از چالشگران عمده دولت معرفی می‌کنند و در زمینه نقش آنها در مشروعیت‌زدایی معتقد هستند که وقتی دسته‌های قومی و قبیله‌ای، خود را عضو دولت ملی

نمی‌دانند؛ دولت در برابر خشونت‌هایی که در ساخت اجتماعی آن جامعه ریشه دارد به‌صورت روزافزونی آسیب‌پذیر می‌شود. دولت با این تناقض مواجه است که اگر از خشونت استفاده نکند، دیگر دولت محسوب نمی‌شود و اگر از خشونت به‌طور مداوم استفاده کند، بخش بزرگی از مشروعیت و منابع بسیج خود را از دست می‌دهد و چنین وضعی نشانگر وضعیت اضطراری دائمی برای دولت است.^۱

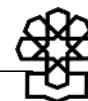
گوناگونی و تنوع قومی در ایران موجب شده که انسجام ملی به یک موضوع مهم و همیشگی برای حکومت‌های مرکزی تبدیل گردد تا جایی که رژی می‌همچون پهلوی برای تثبیت حاکمیت خود اقدام به یکسان‌سازی فرهنگی از طریق تأکید بر فرهنگ باستان، پوشش واحد، مقابله با زبان‌های محلی و... در سرتاسر ایران داشتند. اما نکته مهم این است که وحدت و یگانگی را با سرکوب، مراقبت و نظارت شدید یک گروه بر سایر گروه‌ها نمی‌توان تحقق بخشید.

با تثبیت نظام جمهوری اسلامی و عبور از سال‌های ابتدایی انقلاب و اعطای آزادی‌های بیشتر به اقلیت‌ها و دوری جستن از سیاست‌های نادرست یکسان‌سازی فرهنگی، هیچ‌گاه شاهد بحران قومی جدی و به چالش کشیدن امنیت ملی نبودیم. در حال حاضر نیز شاهد نیستیم که شکاف قومی در کشور فعال شده باشد، ولی این به معنای این نیست که موضوع قومیت‌ها جدی گرفته نشود؛ به‌خصوص اگر به این نکته توجه کنیم که همیشه یکی از راهکارهای مخالفان نظام و دولت‌های غربی برای ایجاد آشوب و بحران استفاده از گروه‌های قومی و اقلیت‌ها بوده است. استفاده تاکتیکی کشورهای غربی از گروه‌های قومی برای معنابخشی به رفتار سلطه‌طلبانه خود سابقه بس طولانی دارد. کشورهای غربی با استفاده از چنین ترفندی موفق به ایجاد شورش، ناامنی و تجزیه یوگسلاوی و کشورهای اروپای شرقی و... شدند.

۳-۳. شکاف نسلی و امنیت ملی

شکاف نسلی یکی از مهمترین شکاف‌ها در جوامع امروزی است. عدم وفاق در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی منجر به ایجاد شکاف نسلی می‌شود. شکاف نسلی باعث می‌شود تا انتقال ارزش‌ها و آموزه‌ها در قالب سنت از نسلی به نسل دیگر با اختلال روبرو شود. این پدیده از یک سو، به روند انتقال فرهنگ آسیب می‌رساند و از سوی دیگر، حافظه تاریخی را مختل می‌سازد و بدین ترتیب، انتقال تجارب سیاسی و فرهنگی دوره‌های پیشین به زمان حاضر با دشواری انجام

۱. واینر هانتینگتون، ۱۳۷۹، صص ۲۵۹-۲۵۸.



می‌شود.^۱ در این صورت آرمان‌ها، ارزش‌ها و انگاره‌های نسل قبل به درستی به نسل بعد یا نسل جوان انتقال داده نمی‌شود و نظام سیاسی و اجتماعی به تدریج قدرت اقتناعی خود را از دست می‌دهد و جامعه به سمت دو قطبی شدن و تقابل نسل قدیم و جدید حرکت می‌کند و از آنجا که زبان این دو نسل متفاوت است نظام سیاسی با بحران‌ها و چالش‌ها متعدد روبرو می‌شود. وقتی یک نظام سیاسی یا اجتماعی قدرت اقتناعی خود را از دست بدهد، به تدریج بین آن و محیط یا نسل جدید شکاف ایجاد می‌شود و از این شکاف، انواع بحران‌ها سربرمی‌آورد. نخستین بحران، بحران هویت است؛ یعنی نظام خودش را با برخی عناصر هویتی تعریف می‌کند، ولی نسل جدید یا مردمی که بر آنان حکومت می‌شود خود را با عناصر هویتی دیگر تعریف می‌کنند. بحران هویت به دنبال خود بحران مشروعیت را می‌آورد؛ یعنی حکومت دیگر نمی‌تواند به نحوی مشروع بر این نسل حکومت کند و ناچار است که برای حفظ خود به زور متوسل شود.^۲

بنابراین دولت توان ایجاد یک احساس مشترک عمومی درباره ارزش‌ها و علایق مشترک ملی خود را از دست می‌دهد. این مسئله می‌تواند زمینه شکل گرفتن بحران یکپارچگی شود. بحران یکپارچگی، توانایی‌ها و منابع داخلی را به تحلیل برده و توان سیاسی کشور را در داخل و خارج فلج می‌کند. در واقع در بحث شکاف نسلی، نسل جدید ممکن است در قالب نافرمانی مدنی، شورش‌ها و تظاهرات اقتدار و مشروعیت نسل قدیم و نظام حاکم را به چالش بکشد. در این حالت نظام حاکم با بحران انسجام و یکپارچگی اجتماعی مواجه می‌شود و نسل جدید چندان مطیع قانون نخواهد بود و این گونه است که امنیت ملی یک کشور به خطر می‌افتد.

۳-۴. شکاف فرهنگی و امنیت ملی

همه شکاف‌های اقتصادی، نسلی، قومی و تاریخی خود را در شکاف فرهنگی بازتعریف می‌کنند. یکپارچگی و انسجام ارزش‌های فرهنگی در یک کشور منجر به تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود و سرمایه اجتماعی ارتباط مناسب بین دولتمردان و مردم را شکل می‌دهد و به عنوان امنیت اجتماعی در محیط درونی و داخل نظام، انسجام، یکپارچگی، وحدت و کارآمدی را به دنبال داشته و حتی در حوزه روابط بین‌الملل نیز بیانگر امنیت پایدار و اقتدار خواهد بود.^۳

سبک‌های زندگی هم چالش و هم فرصتی برای انسجام اجتماعی هستند. تنوع آنها سبب متکثر شدن بافت اجتماعی خواهد شد و بی‌گمان الگوهای هنجاری را متحول خواهد کرد. تکثر الگوهای

۱. ربیعی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵.

۲. علیخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰.

۳. موتیمر، ۱۳۸۰، ص ۲۸۸.

هنجاری شاید تهدیدی برای نظم کلی تلقی شود، اما در جایی که فقدان الگوهای هنجاری یکسان و هژمونیک تهدیدی برای کل به حساب نیاید، منسجم شدن افراد در قالب گروه‌های سبک زندگی، نوعی سازوکار حفظ یکپارچگی کل از طریق پذیرش تکثر است. بدین ترتیب افراد قادرند در گروه‌های کوچکی جذب شوند که الگوی رفتاری واحدی دارند و این گروه‌ها در کنار یکدیگر مسالمت‌آمیز زندگی کنند، بدون آنکه تخطی از الگوی هنجاری هژمونیک تهدیدی برای تمامیت نظام اجتماعی باشد. در اصل خلق سبک‌های زندگی، گذر کردن به سطوح پیچیده‌تری از انسجام اجتماعی است و نباید آن را تهدیدی برای موجودیت کل نظام تلقی کرد.^۱

درواقع در اینجا نوعی رابطه متقابل بین گروه‌های اجتماعی و دولت برقرار می‌شود. به این دلیل که از یک طرف دولت برخاسته از جامعه، وجود و زیست گروه‌های مختلف اجتماعی را قبول می‌کند و از طرف دیگر گروه‌های اجتماعی نیز اقتدار دولت را قبول می‌نمایند.

پتانسیل شکاف نسلی و فرهنگی برای زیر سؤال بردن امنیت ملی بسیار بیشتر از شکاف‌های اقتصادی و قومی است. این مسئله نیز به دو دلیل می‌باشد. اول اینکه هرم سنی جمعیتی کشور ما بسیار جوان است و وجود این شکاف‌ها به‌عنوان شکاف‌هایی که دارای بار ایدئولوژیک هستند در جامعه باعث تقابل نسل جوان با نسل میانسال و مسن جامعه می‌گردد و از طرف دیگر شکاف نسلی و فرهنگی این قابلیت را دارد که در تمام نقاط کشور فعال بشود و این مسئله برخلاف مثلاً شکاف قومی می‌باشد که تنها در منطقه یا ناحیه خاص اتفاق می‌افتد.

در نهایت اینکه گرچه شکاف‌های اجتماعی منجر به ایجاد گروه‌های اجتماعی متفاوت در عرصه اجتماع می‌گردد، اما این تکثر و تنوع اجتماعی عامل ناامنی نیست، بلکه از بین رفتن زمینه‌های همکاری، همیاری، مشارکت، تعاون، افکار و اعمال دوستانه عامل ناامن‌کننده میان آنها است.^۲

۴. راهکارهایی برای جلوگیری از تشدید شکاف‌ها و اجتناب از تقابل‌های آشتی‌ناپذیر

وجود نظام سیاسی منسجم و کارآمد که دارای ایدئولوژی و هویت فراگیر باشد و دارای ارزش‌های مشترک به‌عنوان عوامل پیونددهنده در سطح کلان جامعه باشد می‌تواند تصویر مقتدر و یکپارچه‌ای از نظام سیاسی در عرصه جهانی به نمایش بگذارد که باعث می‌شود نقش‌آفرینی مهمی در تحولات جهانی داشته باشد و در پیگیری اهداف خود موفق باشد. در مقابل، ناکامی حکومت در یکپارچه ساختن گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آنها به یک نیروی سیاسی متحد، باعث می‌شود که

۱. فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱.

۲. همان، ص ۸۳.



اجماع در سیاستگذاری به حداقل برسد. عدم حمایت نیروهای اجتماعی از تصمیم‌گیری‌های دولت، منجر به عدم پیشرفت و به چالش کشیدن امنیت ملی می‌شود. نظام جمهوری اسلامی با توجه به قدرت بالای نرم‌افزاری آن با تأکید بر ایدئولوژی و هویت اسلامی، تأکید بر میراث فرهنگی مشترک و افزایش ظرفیت جذب برای در بر گرفتن تمامی اقلیت‌ها، گروه‌ها و نسل‌ها می‌تواند زمینه افزایش امنیت اجتماعی را فراهم نماید. در این بخش راهکارها و سیاست‌هایی برای مدیریت شکاف‌های اجتماعی و جلوگیری از تبدیل آنها به تقابل‌های اجتماعی آشتی‌ناپذیر ارائه می‌شود.

در زمینه شکاف قومی، دولت جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند تا با بسط عدالت اجتماعی، نفی تبعیض‌ها، اجرای حقوق شهروندی، احیای هویت فرهنگی اسلامی و تقویت حس میهن‌پرستی مسائل قومی را مدیریت کند. از راهکارهای مدیریت مناسب مسائل قومی کشورمان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پرهیز از سیاست‌زدگی، پیش‌داوری و نگرش سیاسی به مقوله قومیت،
- ممانعت از تحقیر، تمسخر، تضعیف و بی‌اعتنایی نسبت به هر یک از اقوام و اقلیت‌ها،
- خودداری از هرگونه تلاش برای تحمیل سازش قهری و برقراری سکوت،
- پرهیز از هرگونه نفی و یا انکار واقعیت وجودی اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها و اقلیت‌ها،
- خودداری از برخورد سخت‌افزارانه با مقوله قومیت و مطالبات قومی،
- جلوگیری از ایجاد احساس محرومیت نسبی در میان اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی،
- بهره‌گیری از فکر، توانمندی و خلاقیت‌های نخبگان قومی در اداره امور مناطق قومی،
- توسعه نهادهای مدنی به‌منظور گسترش مشارکت همه‌جانبه گروه‌های قومی،
- نهادینه‌سازی و قاعده‌مند شدن رقابت‌های سیاسی و پرهیز از وارد ساختن مسائل قومی به رقابت‌ها و منازعات سیاسی،

- پرهیز از افزایش تقاضاهای قومی با زبان سیاسی،
 - ارتقای آگاهی عمومی جهت تقویت همبستگی، هویت و انسجام ملی،
 - متوازن‌سازی سیاست تمرکز - عدم تمرکز در اداره کشور،
 - تقویت برنامه‌های تلویزیونی در مناطق مرزی برای گسترش روحیه و غرور ملی^۱،
 - تکیه بر هویت اسلامی و میراث فرهنگی مشترک برای تقویت انسجام اجتماعی،
 - پیگیری دقیق تحولات مرتبط با قومیت‌ها در کشورهای همسایه و عملکرد قدرت‌های بزرگ.
- در زمینه شکاف فرهنگی، همه گروه‌های سیاسی باید در چارچوب قانون فعالیت نمایند و نظام

نیز باید ضمن تقویت نهادهای مردمی و مشترکات جامعه زمینه انسجام و یکپارچگی جامعه را فراهم کند. از راهکارهای مناسب برای همگرایی جامعه در زمینه فرهنگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تأکید بر سرمایه اجتماعی و مشترکات جامعه در سطح کلان برای پیوند بیشتر اعضای جامعه،
- تأکید بر ایجاد احزاب و نهادهای واسط میان دولت و جامعه،
- تکیه بر شمولیت هویت و ارزش‌های اسلامی،
- افزایش ظرفیت و کارآیی نظام سیاسی در حل و فصل مسالمت‌آمیز تضادها، بحران‌ها و خواسته‌های گروه‌های مختلف اجتماعی،
- ایجاد فضای نقد و نقدپذیری در چارچوب قانون،
- تلاش برای جهت‌دهی به سلیقه و ذائقه مردم به‌سوی استفاده از فیلم، موسیقی و هنر فاخر و سالم،
- تشویق جامعه و به‌ویژه نسل جوان به داشتن سبک زندگی متناسب با ارزش‌های اسلامی و ملی.
- در زمینه شکاف نسلی دولت جمهوری اسلامی باید تلاش کند تا ارزش‌های اسلامی - ایرانی به‌نحو احسن و قابل قبولی به نسل جوان منتقل شود و فرآیند انتقال ارزش‌ها از کانال‌های مناسب و به‌شیوه نرم‌افزاری صحیح صورت پذیرد. از راهکارهای مناسب برای اجتناب از ایجاد و عمیق‌تر شدن شکاف نسلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش همگانی و تربیت و جامعه‌پذیر نمودن کودکان و نوجوانان،
- تأکید بر رسانه‌ها و فضای وب در انتقال ارزش‌ها،
- حل مشکلات بیکاری و اقتصادی جوانان،
- تقویت نظام آموزش و پرورش و داشتن رسانه‌های قدرتمند برای انتقال ارزش‌های اسلامی و انقلاب به نسل جوان،
- داشتن سیاست فعال در فضای اینترنت و نه صرفاً اتکا بر فیلترینگ،
- تلاش برای تقویت نهاد خانواده در جامعه،
- به‌کارگیری شیوه‌های نوین تبلیغی و پرهیز از سطحی‌نگری به مبانی فرهنگی و دینی انقلاب،
- ارتباط ارگانیک، مستمر و برنامه‌ریزی شده نهاد خانواده، مساجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و وحدت آنها در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی،
- ارزیابی نمودن سیاست‌های نهادهای فرهنگی کشور در دوره‌های زمانی مختلف برای



شناسایی نقاط ضعف و بررسی بازخوردهای جامعه،

- انجام افکارسنجی و پیمایش‌های ملی برای شناسایی افکار و نیازهای نسل جوان.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی راجع به شکاف‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی می‌توان گفت، شکاف‌های اجتماعی در ایران متعدد و متنوع هستند، دارای بار ایدئولوژیک و هویتی می‌باشند، شکاف‌های متراکم شده در جامعه وجود دارد، جهت‌گیری غالب این شکاف‌ها به سوی دولت است و غالباً به‌صورت همزمان فعال شده‌اند. در قبال شکاف‌های اجتماعی سیاستمداران می‌توانند دو رویکرد و راه‌حل داشته باشند. راه‌حل نخست، عبارت است از تغییر سریع و رادیکال روابط اجتماعی به‌منظور از بین بردن تفاوت‌ها و تضادهای موجود و راه‌حل دوم عبارت است از پذیرش تفاوت‌ها و تضادها در متن اجتماع، کاهش آثار مخرب شکاف‌های اجتماعی و تأکید بر وحدت و انسجام ملی در قالب یک دولت قوی و کارآمد. دولت‌های قوی دارای منبع اقتدار واحدی هستند که از مشروعیت گسترده‌ای در بین مردم برخوردارند. به‌عبارت بهتر می‌توان گفت منظور از دولت قوی وجود درجه بالایی از انسجام اجتماعی - سیاسی است که باعث می‌شود حکومت بیشتر و بیشتر دارای قدرت اقناع و اجماع باشد، درحالی که دولت‌های ضعیف، چندپاره و قطبی شده هستند و بنا به همین دلیل بیشتر از ابزار قدرت برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود استفاده می‌کنند.

در واقع شکاف‌های اجتماعی، متغیرهای بسیار مهمی در تحولات سیاسی به حساب می‌آیند و اگر درست، دقیق و سریع شناخته شوند به راحتی می‌توان به جای نگرستن به تهدیدات آنها از نیروی آنها استفاده کنیم. هر شکاف فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری را به همراه دارد، اما اغلب در اثر تجمیع، تشدید، دخالت نیروهای خارجی و سیاست‌های نادرست برای مدیریت آنها، نیروی مخرب انقلابی را جهت تغییر وضع موجود با خود به همراه می‌آورند. این احتمال وجود دارد ایران با تمام پتانسیل‌ها و امکاناتی که دارد در دهه ۱۳۹۰ با شکاف‌هایی روبرو شود که این شکاف‌ها تهدیداتی برای کارآمدی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران باشند.

نکته مهم در اینجا میزان تحمل، انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های فرهنگی در قالب نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی است. در شرایطی که حکومت درصد حذف و از بین بردن تکثرهای اجتماعی باشد، تعامل و تفاهم جای خود را به رقابت و حتی مسابقه با حاصل جمع جبری صفر می‌دهد. به بیان بهتر، برچسب امنیتی زدن به هر موضوع اجتماعی و استفاده بیش از حد از توجیهات امنیتی، باعث سوق دادن حکومت به استفاده از روش و شیوه خشونت‌آمیز و دوری از

رویه‌های قانونی و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌شود. نظام جمهوری اسلامی با توجه به قدرت بالای نرم‌افزاری آن با تأکید بر ایدئولوژی و هویت اسلامی، تأکید بر میراث فرهنگی مشترک و افزایش ظرفیت جذب برای دربرگرفتن تمامی اقلیت‌ها، گروه‌ها و نسل‌ها می‌تواند زمینه افزایش امنیت اجتماعی را فراهم کند.

منابع و مآخذ

۱. آزرمون، ادوارد و چونگ، این مون. امنیت ملی در جهان سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
۲. آقایانی چاوشی، اکبر و دیگران. دیدگاه جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر، دوفصلنامه نشریه علوم رفتاری، سال چهارم، ش ۱ (پیاپی ۱۱)، ۱۳۸۹.
۳. آهنگوب‌نژاد، محمدرضا. مطالعه میزان پایبندی دینی جوانان شهر اهواز، فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۴. ابراهیمی، قربانعلی. گزارش طرح: دین و بزهکاری جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی، اداره کل دفتر پژوهش‌های کاربردی، ۱۳۸۹.
۵. احمدی، حمید. قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، چاپ اول، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸.
۶. احمدی، یعقوب. وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها؛ مطالعه موردی شهر سمنان، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، ش ۱، زمستان ۱۳۸۸.
۷. افضلی، رسول و برزین، ضرغامی. تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۰، زمستان ۱۳۸۸.
۸. اطاعت، جواد و زهرا، موسوی. رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی؛ با تأکید بر سیستان و بلوچستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، ش ۱، بهار ۱۳۹۰.
۹. اکوانی، حمدالله. گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان، فصلنامه مطالعات ملی ۳۶، سال نهم، ش ۴، ۱۳۸۷.
۱۰. المنوفی، کمال. اسلام و توسعه، ترجمه مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، چاپ اول، تهران، نشر بینش، ۱۳۷۵.
۱۱. بنکدار، سروش. بررسی الگوی استفاده از موسیقی در بین نوجوانان و جوانان، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۲. پناهی، محمدحسین. شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۷، پاییز ۱۳۸۳.
۱۳. توکل، محمد و مریم، قاضی‌زاده. شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد (با تأکید بر نظریات مانهایم و بوردیو)، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، ش ۲۷، ۱۳۸۵.
۱۴. جلالی پور، حمیدرضا و علی، قنبری. بررسی هویت ملی و ارزش‌های جهانی شدن با تأکید بر ایرانیان عرب‌زبان، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۸.



۱۵. چاوشیان، حسن. سبک زندگی و هویت اجتماعی، مصرف و انتخاب‌های ذوقی به‌عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۱۶. حافظنیا، محمدرضا و مراد، کاویانی. نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ش ۱، ۱۳۸۵.
۱۷. حسین‌پر، محمدعثمان و محمد، عبداللهی. گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، ش ۲، ۱۳۸۱.
۱۸. خادیمان، طلیمه. سبک زندگی و مصرف فرهنگی؛ مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان، چاپ اول، تهران، نشر جهان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۹. خاشعی، وحید. بایسته‌های اجتماعی در سیاستگذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی، فصلنامه رسانه، ۱۳۸۹.
۲۰. دلاوری، ابوالفضل. بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران، پایان‌نامه دکترای علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۲۱. ربیعی، علی. رسانه‌های نوین و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، ش ۴، ۱۳۸۷.
۲۲. رحمت‌آبادی، الهام و حبیب، آقابخشی. سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، ش ۲۰، ۱۳۸۵.
۲۳. رسولی، محمدرضا. بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تحقیقات تجاری تلویزیون، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.
۲۴. رضوی‌زاده، نورالدین. بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، چاپ اول، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۵. رمضانیان، محمد. توسعه و اشتغال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۶. رونژر، پیرت. مبانی پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه محمد دادگران، چاپ اول، تهران، نشر نوآور، ۱۳۶۴.
۲۷. زیاری، کرامت‌اله. سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۲۸. سازمان تبلیغات اسلامی، یافته‌های پیمایش ملی فرهنگ پوشش و حجاب در زندگی روزمره زنان ایران (گزارش کل)، پوشش و حجاب زنان ایران، دفتر برنامه‌ریزی پژوهش‌های کاربردی، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۹. شیخی‌ینگجه، امیر. بررسی مناسبات نسلی از منظر سبک‌های زندگی: مطالعه موردی دانش‌آموزان دبیرستانی مناطق ۶ و ۱۵ تهران و پدران آنها در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۳۰. صادقی، حسین و دیگران. محاسبه شاخص توسعه انسانی استان‌ها با استفاده از رتبه‌بندی فازی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، ش ۳۷، ۱۳۸۹.
۳۱. صالحی امیری، رضا. مدیریت منازعات قومی در ایران، چاپ اول، تهران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵.
۳۲. طالبان، محمدرضا. دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، چاپ اول، تهران، نشر مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

۳۳. طالبان، محمدرضا و مهدی، میرزایی. بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با رفتار انتخاباتی دانشجویان، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۴، زمستان ۱۳۸۹.
۳۴. عزیزی بنی‌طرف، یوسف. قبایل و عشایر عرب خوزستان، چاپ اول، تهران، نشر مؤلف، ۱۳۷۲.
۳۵. علیخانی، علی‌اکبر. نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها؛ رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسل‌ها، چاپ اول، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۳۶. غفوری، پرویز. بررسی میزان مصرف محصولات فرهنگی در بین شهروندان تهرانی و تبریزی، چاپ اول، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹.
۳۷. غریب‌زندی، داود. چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم؛ با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۳۸. غیاثوند، احمد. بررسی فرآیند جامعه‌پذیری دینی جوانان؛ مطالعه موردی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۳۹. غیاثوند، احمد. بررسی وضعیت رفتارهای دینی در بین دانشجویان، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، ش ۲، ۱۳۸۶.
۴۰. فاضلی، محمد. مصرف و سبک زندگی، چاپ اول، قم، نشر صبح صادق، ۱۳۸۲.
۴۱. فتحی، الهام. تحولات جمعیت ایران در دهه اخیر، هفته‌نامه برنامه، سال هفتم، ش ۳۱۷، ۱۳۸۸.
۴۲. قاسمی، محمدعلی. درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در ایران، فصلنامه مصالعات راهبردی، سال پنجم، ش ۱، بهار ۱۳۸۱.
۴۳. قاضی‌نژاد، مریم. نسل‌ها و ارزش‌ها، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۴۴. قیم، عبدالنبی. نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ش ۷، بهار ۱۳۸۰.
۴۵. کاظمی، عباس. مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، چاپ اول، تهران، نشر جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۱۳۸۷.
۴۶. کاظمی‌پور، عبدالمحمد. باورها و رفتارهای مذهبی در ایران ۱۳۷۹-۱۳۵۹، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۴۷. کریمی‌پور، یدالله. تحلیل ژئوپلیتیکی، نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، پایان‌نامه دکترای رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.
۴۸. گر، تد رابرت. اقلیت‌ها، ملی‌گراها و برخوردهای سیاسی، ترجمه حمید رضا کریمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱، پاییز ۱۳۷۷.
۴۹. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.
۵۰. لهسایی‌زاده، عبدالعلی و علی‌اصغر و مجتبی تقوی‌نسب. بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، ش ۳۳، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸.
۵۱. محسنی تبریزی، علیرضا و نعمت‌الله، کرم‌الهی. بررسی وضعیت التزام دانشجویان به ابعاد و نشانه‌های دینداری، فصلنامه پژوهشی نامه علوم اجتماعی گرمسار، سال سوم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۸.
۵۲. مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی. گزارش نظرسنجی تلفنی از افراد ۱۵ تا ۳۵ سال شهر تهران درباره موسیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹.



۵۳. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایرانی (ایسپا)، کندوکاو‌هایی در باورها و نگرش‌های جامعه ایرانی، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶.
۵۴. مطهری، مرتضی. مسئله حجاب، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲.
۵۵. معیدفر، سعید. شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، ۱۳۸۳.
۵۶. مقصدی، مجتبی. تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات علمی، ۱۳۸۰.
۵۷. موتیمر، دیوید. فراسوی استراتژیک اندیشه انتقادی و مطالعات امنیتی نوین، ترجمه محمود عسگری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، ش ۱۳، ۱۳۸۰.
۵۸. میرزایی، جلال. شکاف قومی، دولت مرکزی و امنیت ملی ایران (مطالعه موردی: مناطق کردنشین)، پایان‌نامه دکترای علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۵۹. نصری، قدیر. جامعه‌شناسی امنیت ملی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاسی، مسائل استراتژیک و بین‌الملل، سال هشتم، ش ۲، پیاپی ۲۸، تابستان ۱۳۸۴.
۶۰. نواح، عبدالرضا و مجتبی، تقوی‌نسب. تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی؛ مطالعه موردی اعراب خوزستان، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال هشتم، دوره ۲، ۱۳۸۶.
۶۱. نوریس، پپیا و دیگران. جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی (بررسی‌های موردی)، ترجمه پرویز دلیرپور و علیرضا سمیعی اصفهانی، چاپ اول، تهران، نشر کویر، ۱۳۸۸.
۶۲. نویدنیا، منیژه. امنیت اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸.
۶۳. واینز، مایرون و ساموئل، هانتینگتون. درک توسعه سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
۶۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۶۵. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۶۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. شاخص‌های منطقه‌ای، تحلیل ثانویه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.
۶۷. هزارجریبی، جعفر و نادر، مروتی. تأثیر نابرابری قومی بر امنیت ملی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، ش ۴، پاییز ۱۳۸۹.
۶۸. هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۶). ارزیابی تحلیلی وضعیت فرهنگی کشور، چکیده، نتایج و پیشنهادات، چاپ اول، تهران، نشر شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶.
۶۹. هیودی، محمدرضا. نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی؛ مورد مطالعه استان خوزستان، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۴.
۷۰. یوسفی، علی و احمدرضا، اصغرپورماسوله. قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۸.
۷۱. یوسفی، نریمان. شکاف بین‌نسلی؛ بررسی تجربی و نظری، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۷۲. قدرت‌زاده، بهرام. مفهوم امنیت ملی و ابعاد آن، پورتال جامعه سیاسی سیاست ما، ۱۳۹۰.

۷۳. ماه پیشانیان، مهسا. تبیین منازعات قومی براساس تئوری‌های مداخله نگاهی به تهدیدات نرم ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹ وب سایت جنگ نرم، دسترسی در:

<http://jangenarm1388.com/?viewpost=g110b3j264d>.

۷۴. مرکز آمار ایران (۱۳۸۷). چکیده یافته‌های طرح آمارگیری از کاربران اینترنت ۱۳۸۷، دسترسی در:
<http://www.amar.org.ir/DeskTopModules/Magazines/showMagazine.aspx?id=38&mID=2080>.

75. Buzan, Barry. *New Patterns of Global Security in the Twenty-First Century*, International Affairs, Volume 67, Issue 3, 1991.
76. Choe, Yonhyok. *Social Cleavage, And Party Support, A Comparison of Japan, South Korea And The United Kingdom*, Research Reports, Huddinge, Sweden, 2002.
77. Crane, Keith. Lal, Rollie. Martini, Jeffrey. *Iran's Political, Demographic, and Economic Vulnerabilities*, RAND Corporation, Prepared for the United States Air Force, 2008.
78. Internet World Stats. *Middle East Internet Usage and Population Statistics*, Available at: <http://www.internetworldstats.com/stats5.htm>.
79. Stone, Marianne. *Security According to Buzan: A Comprehensive Security Analysis*, Security Discussion Papers Series 1, Columbia University, School of International and Public Affairs – New York, USA, 2009.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۲۳۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر روندهای سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: حسن کریمی فرد

ناظر علمی: ابوزر گوهری مقدم

مقتضای: معاونت پژوهشی

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. شکاف‌های اجتماعی

۲. امنیت

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳